

فریاد خلق

خاموش شدنی نیست

نگاهی به وقایع سال

۱۳۵۴

فروردین ۱۳۵۵

تکثیر و توزیع از :

نهضت آزادی ایران (خارج از کشور)

P.O. BOX 4485
SPRINGFIELD, MO. 65804

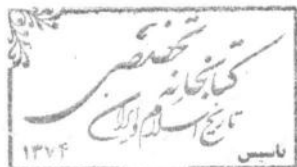


فریاد خلق خاموش شدنی نیست

نگاه‌ها بسه و قیام‌ها بسال

۱۳۵۴

فروردین ۱۳۵۵



بنام خدا

هموطنان عزیز :

"فریاد خلق" جزوه ایست که در ایران چاپ و منتشر شده است و عینا بهمین صورتی که ملاحظه می نمائید، اخیرا بدست ما رسیده است و ما هم عینا آنرا جهت اطلاع شما منتشر میسازیم .

ما تنها درد و مورد در این نشریه دخل و تصرف نموده ایم . مورد اول ، اصلاح غلط های چاپی است که بموجب غلط نامه ضمیمه همین نشریه می بایستی اصلاح شوند . و مورد دوم شماره گذاری صفحات نشریه بصورت سلسل .

سازمان تهیه کننده و ناشر این نشریه خود را معرفی نکرده است . گفته میشود که احتمالا ممکن است این نشریه به گروهی بنام "مقدار" تعلق داشته باشد .

واضح است که تکثیر و توزیع این جزوه از طرف نهضت بدان معنا نیست که تمامی مواضع و مطالب مطرح شده در آن مورد تأیید می باشد .

نهضت آزادی ایران
(خارج از کشور)

فهرست جزوه

- ۱- مقدمه
- ۲- تحلیلی از انفجار حزب رستاخیز تبریز
- ۳- خبرهائی از جنبش مسلحانه
- ۴- خبرهائی درباره پلیس سیاسی
- ۵- خبرهائی از ارتش و نیروهای نظامی
- ۶- خبرهائی از جوامع روشنفکری
- ۷- خبرهائی از روحانیت مبارز
- ۸- خبرهائی از جامعه و جامعه گردی

" كُنْ مَنْ عَلَيْهِ اَفَان "

سخنی کسوت‌ساز

هدف از انتشار این جزوه سه اعلام مرجو دیتیست سه ایجاد گروهی جدید ، گو اینکه تنها در یک رابطه نزدیک بین افرادی ، امکان چنین مساله ای پیش می آید لیکن در شرایط فعلی و بعضی تشتمها و تضادها که درون جنبش ایجاد گردیده موضوع گیری در تپال آن خود امر مشکلی میباشد تا علاوه بر اینکه موضعی فرصت طلبانه تلقی نگردد ، به جهت دادن هر چه بیشتر جامعه بسوی یک حرکت صحیح بیانجا - مد • لذا در شرایط بعد از مهر ماه پس از انتشار بیانیه مجاهدین که شرایطی حساس ایجاد گردیده بود (به متن جزوه مربوطه به اعلام تشکیل چند گروه تحت عنوان مذهب که خود موضعی فرصت طلبانه

در آن هنگام بود مراجعه شود^۲) در اعلامیه ای که برای انفجار " حزب رستاخیز تبریز" داده شد محور اصلی را این تشکیل میداد که:

علاوه بر عدم اتخاذ موضعی چنین فرصت طلبانه تنها به تحلیلی از شرایط خاص و نقش رستاخیز اشاره گردد و تکیه بر اینکه مادر حقیقت جزء کوچکی از جریان ضد امپریالیستی جامعه ایران هستیم با امکاناتی بسیار محدود و تنها فریادی به نشانه خاموش شدن آتش انقلاب خونین خلق *

هدفی که در انتشار این جزوه دنبال میگردد جهت نشان دادن نمودیست که هر گروه کوچک دویا سه نفری حدودا قادر است به آن مبارزت ورزد و با بردن دست آورد های جنبش به درون جامعه به از میان برداشتن این فاصله شدید بین خلق و پیشآهنگ کمک کند * و خاصا در شرایطی اینچنین هرگز نباید بنیروهای خویش کم بها دهیم و انرژیهایمان را با ناچیز شمردن آنها بیهوده تلف کنیم * باید دست بشناخت شرایط

خود زده و با ارزیابی صحیح ، نوع خدمتی که میتوا-
 نیم به جنبش بکنیم یعنی عمل مناسب خود را تعیین
 کنیم و به ایجاد ارتباط درون خلق یاری کنیم . فاصله
 ای که تا کنون گروههای اصلی جنبش نه تنها به پر کردن
 آن مبادرت و توجه ننموده اند بلکه عملاً با اتخاذ روش
 درون گرائی بسیار شدید که پیش گرفته اند تنها به
 مسائل درونی پرداخته و بآموزش سیاسی خلق و مبارز-
 ین پراکنده دیگری که اساس هر اتحادی است مبادر-
 نت نورزیده اند همآنگونه درون گرائی که پهر از
 گذشت ۱/۵ تا ۲ سال از شروع مبارزه ایدئولوژیک در
 درون سازمان مجاهدین و پس از مطلع شدن رژیم از
 آن و ایجاد زئمه های شدید در جامعه در مهرماه
 ۵۴ اعلام میگردد . و این تا جایی بود که بسیاری فکر
 میکردند برداشتن آیه قران اشتباه چاپی بوده و حتی
 عده ای تصور میکردند ممکن است در درون سازمان
 کودتائی بوقوع پیورسته باشد . (که این خود امری غیر
 ممکن است و باز هم اختلاف بین دید سیاسی و سازما-

نی شدید بین جامعه و پیشآهنگ را می‌رساند که امکان
 کرد تا را مطرح می‌سازد (و پس از انتشار بیانیه نیز
 کوچکترین صدائی بجز در موارد شهید شدن بی‌سک
 انقلابی یا اعدام (آنهم در روزنامه ها) بگوش نمی‌رسد *
 البته با کمبود امکانات در شرایط فعلی این امری طبیعی
 می‌باشد که فرضاً امکان رابطه گیری با افراد مستعد
 از جانب سازمانها و گروهها مشکل باشد لیکن امکان
 ارتباط گیری عام (مانند انجبار مقرر گارد دانشگاه
 صنعتی و جهت گیری بیانیه آن) و کنترل این رابطه
 همدوا بطریق خاص چیزی غیر ممکن نیست *

بسیار بچاست کسانی که خود بیشتر در مسائل د خا -
 لت دارند با روشن نمودن واقعیات و ایجاد روابط
 عام و خارج شدن از لاک درون گرائی خویش بیشتر
 به مساله توجه نمایند * آیا نباید حرکات درون یک
 سازمان بازتابی مشخص در بیرون داشته باشد ؟

پس چرا عطا چنین نیست ؟ آیا خلق ایران صلاحیت
 شنیدن آنرا ندارد ؟ که با ید پس از گذشت دو سال

• بطور خیلی ناقص مسئله را بشنود

البته نه موضع صحبت کردن از جانب خلق است و نه از جانب رهبری جنبش • تنها در حدود امکانات بسیار محدود خویش وظیفه داریم در این مبارزه نقشی داشته باشیم •

بنابراین هدف اصلی جزوه را آموزشی بودن چه از نظر سیاسی و چه مسائل دیگر قرار داده و سعی شده تنها جهت هئاتی برای ادامه کار کنسائیکه تنها با امکانات محدود خویش دست بمبارزه زده اند قرار داده شود •

همانطور که در مورد پخش دست آورد های جنبش دیده شده که فقط در محدوده ای از روشنفکران این جزوات و دست آوردها پخش گردیده یعنی مسئله پخش جزوات خود مسئله بسیار مهمی است و هر کس حداقل با شرکت در امر توزیع دست آورد های جنبش و جزوات میتواند خدمت بزرگی به جنبش بنماید •

علل سیاسی انفجار
 "حزب رستاخیز"
 "تبریز"

تحلیل زیر خلاصه‌ای از تحلیلی است که اساس عمل
 سیاسی نظامی انفجار حزب رستاخیز را در ۲۶/۷/۵۴
 تشکیل میداد *

اگرچه جنبه نظامی مسئله خود در مقایسه با پاره
 ای از عملیاتی که تا کنون جنبش مسلحانه خلق انجام
 داده کمتر بچشم میخورد لیکن از نظر سیاسی ، که
 همیشه جنبه غالبیت بر نظامی دارد (خصوصاً در
 مرحله فعلی) بسیار قابل تحقق و توجه میباشد *
 و این در زمانی است که ضرورت کار سیاسی روی
 جامعه ، جهت از میان برداشتن فاصله بین حلق
 و جنبش مسلحانه هرچه بیشتر بچشم میخورد ، که
 سعی میشود در حدود امکانات و اقصیات به از میان

برداشتن این فاصله کمک کنیم^۷ (هدفی که در انتشار این جزوه میباشد) امید است که در آینده تحلیل کاملتری در این زمینه منتشر گردد تا به توضیح هرچه دقیقتر و همه جانبه تر مسئله رستاخیز پرداخته شود که خود مستلزم تحلیلی کلی از شرایط سیاسی و اجتماعی ایران و نقش امپریالیستی آن در منطقه است. و از جنبه دیگر به بالا بردن آگاهی سیاسی نیروهای مبارز که لازمه اتخاذ هر تصمیم صحیحی میباشد کمک خواهد کرد.

بحث زیر نشان دهنده اینست که ما در حقیقت سلاح خلق را ایتبار متوجه قلب نیروهای رژیم نمودیم تا وظیفه خود را در جهت گیری صحیح تر نیروهای خلق ایران علیه امپریالیسم تا حدودی انجام دهیم.

در رابطه با مسائل فوق مناسب تر است انتقادی از بعضی عملیات نظیر ترور سرهنگان آمریکائی انجام شود حد و دایکسال پیش از ترورهائی که انجام گرفت یعنی در فروردین ۵۳ انفجار مقر گارد دانشگاه صنعتی همزمان با آن انتشار بیانیه ای در این مورد که

جهت‌هائی واقع‌بینانه و متناسب با ضروریات فعلی جنبش را در اختیار قشر روشنفکر (که از نظر موضعش در جنبش مسلحانه باید گفت اکنون ستون فقرات جنبش را از جنبه تامین کادرهای آن تشکیل داده است) قرار میداد و آینده امیدوارکننده‌ای را در جهت پیوند صحیح و مستقیم تر جنبش با مردم و برداشتن این فاصله بچشم می‌خورد. حدود یکماه بعد در عملیات سیاسی نظامی که بمناسبت سالگرد شهادت پنج تن از فرزندان خلق انجام شد نیز بیانیه‌ای خطاب به خانواده‌های شهداء و زندانیان منتشر گردید که جهت‌هائی جدید در رابطه برقرار ساختن با قشر دیگر در آن بچشم می‌خورد. در این دو بیانیه که بفاصله حدود یکماه منتشر گردید پس از تعیین هدفهای تاکتیکی و جهت‌هائی درازمدت‌تر به تشریح وظائف آنها در جنبش پرداخته شده بود. متعاقب آن نیز تأثیر مثبتی که یک عمل منطبق با ضروریات قادر است روی جریان بگذارد در اعتصاب

دانشجویان دانشکده اقتصاد عملاً دیده شد ، که با اتخاذ خط مشی و جهت هائی که در بیانیه دانشجویی تشریح گردیده بود اختصاصی موفق و سازنده انجام گرفت .

لیکن عملیات تروری که بعداً انجام گرفت را میتوان بیشتر غلبه جنبه نظامی پر سیاسی قلمداد کرد (پا - ورتی ۱) در حالیکه در شرایط فعلی جامعه به هیچوجه جنبش مسلحانه در حدی نیست که قادر به وارد نمودن ضربات نظامی به دشمن باشد و عهدها هدف عملیات ما در جهت وارد نمودن ضربه سیاسی نظامی است که غالبیت با جنبه سیاسی است که اساس بسیج خلق را در يك مبارزه ضد امپریالیستی تشکیل میدهد . در چنین شرایطی اعمالی نظیر ترور هائی که سال گذشته انجام گرفت و حتی دیده شد در کیفیت و صلاحیت جنبش از نظر نظامی هم نبود (زیرا همه آنها کاریک تیم عملیاتی بوده است و میتوان گفت که حداقل از نظر نظامی سایر تیمها در این کیفیت نبوده

اندو اشتباهاتی که خود این تیم در ترور حسنان مرتکب شدند و ایسن در زمانسی استست کسمه یکمی از جهت های عمده سازماندهی درونی بالا بردن کیفیت تیمها و همسان نمودن آنها میباشد) تنها به پیش از حد نشان دادن قدرت جنبش در ذهن روشنفکر و کلا جامعه میانجامد که بعدها با روبرو شدن با واقعیت و دستگیر شدن تیم مربوطه و سکوتی که سپس از انتشار بیانیه میبینیم تنها به یأس و تشدید تضادهائی بین صفوف مبارزین انجامیده که خود در جهت فاصله گرفتن جنبش از جامعه کمک نمود در حالیکه ضرورت پیوند صحیح بین صفوف مبارزین و جامعه پیش از هر زمانی احسان س میگردد " که خود لازمه پیوند بین صفوف مبارزین است " یعنی تکمیل و بسط جهت‌های که در دو بیانیه اوائل ۵۳ منتشر شد، در سطحی ماضی خصوصا که اکنون هیچ حرکت قابل لمس در جامعه در حدود ۹ یا ۱۰ ماه اخیر بچشم نمیخورد، یا اگر

۱۱
هم وجود دارد کار توضیحی لازم روی آن انجام نگردیده است، و سیل تبلیغات رژیم است که تنها بچشم میخورد، البته بعلت پوشالی بودن معمولا روی قشر روشنفکر و حتی در حدود زیادی روی عامه مردم نیز چندان تأثیری نداشته است •

تحلیل فوق از شرایط فعلی جنبش و مسائل درگیر آن، و نیز تحلیل زیر که از شرایط اجتماعی ایران و مسئله رستاخیز انجام گردید، اساس عمل سیاسی نظامی انفجار حزب رستاخیز تبریز را تشکیل داد •

با اوج گیری مبارزات ضد امپریالیستی خلقهای تحت ستم امپریالیسم و فبراتی که امپریالیسم جهانی - و در رأس آن آمریکا از رشد این حرکات متحمل گردید، که نمود آن شکست مفتضحانه اش در ویتنام (۴۰ - ۲) ورتی ۲) میباشد • بتدریج استراتژی جدیدی از جانب امپریالیسم جهت سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی خلقها طرح میگردد • که اساس آنرا خروج نظامی و عدم درگیری مستقیم از یکسو، و از طرف دیگر

ایجاد تطبیهای منطقه ای ضد خلقی در مناطق مختلف با حاکمیت مطلق سیاسی نظامی امپریالیسم پراین قطبها میباشد (پاورقی ۳) • و همزمان با آن ایجاد پایگاههای نظامی در مناطق غیر درگیر با خلقها (که در آنجا مستقیماً با خلقها درگیری نداشته باشد) مثل دیه گوگاریسیا در اقیانوس هند و پایگاههای سیار دیگر • که هدف از آن در مرحله فعلی از نظر تاکتیکی مقابله با اردوگاه سوسیالیسم و در راس آن شوروی (نه بضموم اردوگاه خلقها) و از نظر استراتژیکی تکمیل نقش این قطبها و آادگی جهت درگیریهای آتی • (البته با در نظر گرفتن نقش تضادهای درونی امپریالیسم مثل تضاد فرانسه و آمریکا تحلیل کاملتری بدست خواهد آمد) مسئله فوق اساس جهت گیری استراتژی جدید امپریالیسم را تشکیل میدهد (پاورقی ۴) که نمود آنرا در ویتنام - می کردن جنگ ویتنام، مسئله اتحاد مصر و عربستان بعد از جنگ اکتبر و نقش ایران در خلیج و افریقا

میتوان مشاهده کرد • که شناخت دقیق آن و طرز پیاده شدنش در هر منطقه ما را بشناخت ماهیت امپریالیسم و کیفیت مبارزات ضد خلقیش رهنمون خواهد کرد لیکن کشوری که برای این موضوع در نظر گرفته میگردد خود باید صلاحیت لازم را از نظر موقعیت درونی داشته باشد تا قادر به ایفای نقش محول شده از جانب امپریالیسم در منطقه مورد نظر باشد •

در مورد منطقه خلیج فارس (که تضاد هایش سریعاً رو برشد است) گویا اینکه مخالفتی از جانب بعضی از جناحهای درونی امپریالیسم انجام میگرفت (که نمودن در تضاد عربستان و کویت و ایران در مورد نحوه بهیجی مبارزات ضد خلقی در منطقه چشم میخورد و روآوردن ایندو کشور به تسلیح نظامی خود و تخییرات عده ای که در عربستان انجام میگردد) یکن بحلت موقعیت خاص اجتماعی و رشدی که سرمایه — آری وابسته ایران پس از انقلاب سفید نموده بود ، ترا صالحترین کشور جهت تبدیل بیک قطب امپریالیستی

مینمود که البته بعد ابعثت خلائی که در افریقا وجود داشت (و تا قبل از جنگ اکتبر اسرائیل آنرا حدوداً پر مینمود) تا حدودی ابعاد وظیفه ایران وسیعتر گردیده و مداخله در اقیانوس هند و افریقا نیز تا حدودی جزء وظایف او درآمد (پاورقی ۵) .

نکات فوق شرایط خارجی حاکم بر ایران را در آستانه عنوان نمودن مسئله رستاخیز تشکیل میداد .

لیکن از نظر درونی رشد سریع بورژوازی کمپرادور این امکان را به ایران میداد که چنین نقشی را در منطقه بعهدہ گیرد و ترقی قیمت نفت که امکانات مالی لازم را جهت تامین نیازمندیهای ضروری این هدف در اختیارش قرار میداد .

چنین قطبی از نظر اینکه هرچه بیشتر قادر به تحقق بخشیدن به هدفهای امپریالیسم باشد لازم بود در رابطه ای نزدیکتر با جناحهای مختلف امپریالیسم جهانی قرار گیرد تا بتواند ثبات خویش را در مقابل تضاد های رومرشد جهانی حفظ نماید .

یعنی عملاً کشورهای مختلف امپریالیستی نظیر فرانسه، انگلیس و حتی سوسیالیستی نظیر اروپای شرقی و شوروی در قبال حفظ ثبات ایران ذینفع باشند) و از طرف دیگر خود بعنوان عامل جدیدی در حفظ ثبات و سرکوب هرگونه حرکت ضد امپریالیستی در منطقه کمک کند و سلطه امپریالیسم را حفظ نماید *

نمود مسئله فوق ایجاد روابط اقتصادی در سطحی بسیار گسترده و وسیع با ارقامی نجومی با کشورهای امپریالیستی نظیر فرانسه، انگلیس، آلمان، ایتالیا، و حتی کشورهای کوچکتر و کم اهمیتتر نظیر دانمارک و نروژ بود. و از طرف دیگر نزدیک شدن به اردوگاه سوسیالیسم در جهت درگیر نساختن خود در تضاد بین اردوگاه سوسیالیسم و امپریالیسمکسه عملاً قادر گشته بسیاری از تضادهای اقتصادی خویش را با شوروی حل نماید و روابط اقتصادی و سیاسی خوبی با آن برقرار سازد، گوا اینکه عملاً در قبال مسئله غیر قابل حل ظفار خود را درگیر با شوروی

در رابطه با هدفهای خارجی که بطور خلاصه
 و فهرست وار بیان اشاره شد از نظر سیاست، داخلی
 که خود لازمه اتخاذ هر سیاست خارجی میباشد
 (همانطور که شاه میگوید بدون يك سیاست، داخلی
 مستحکم و اطمینان در داخل ، اتخاذ يك محط
 مشی مستحکم در سیاست خارجی امکان پذیر نمی-
 باشد) ضرورت:

مستحکم تر نمودن اوضاع در داخل و
 متمرکز ساختن هرچه بیشتر نیروها و حل
 تضادهای فرعی درونی جهت اتخاذ يك
 سیاست خارجی اطمینان بخش پسنه
 منظور تامین هدفهای امپریالیسم ، شدیداً
 بچشم میخورد . که این اساس رستاخیز
 را تشکیل میدهد .

چنانکه میبینیم شاه پس از کشتن عامری دیبرکسل
 حزب مردم که خود از نوکران خود فروخته برده و

تتها تضادهای فرعی با این سیستم پیدا نموده بود
 میگوید " هیچ فریاد مخالفی را تحمل نخواهیم کرد "
 (پاورقی ۶) •

در اعلام رستاخیز شاه میگوید " روزیست که هر فرد
 موضع خویش را مشخص کند و حالت بی طرفی و بی‌نابین
 وجود نخواهد داشت " (تشدید مجازات انقلابیون
 و شدت عمل هرچه بیشتر و وحشیانه تر در سرکوب هر
 گونه صدای آزادیخواهی از اینجا ناشی میشود که در
 چنین هنگامی این حرکات برای رژیم بعنوان قطب
 منطقه بسیار خطرناک میباشد و ایضاً آزاد نساختن
 زندانیان سیاسی پس از اعلام رستاخیز پس از اتمام دوران
 محکومیت) •

کلا رستاخیز بمعنی مغز و مرکزیت رژیم میباشد •
 رژیمی که بتواند با حل تضادهای درونی و مرکزیت
 دادن به نیروهای خویش در داخل ، نقش يك قطب
 امپریالیستی را بعهده بگیرد •
 برای اجرای چنین طرحی از این پس باید خود بتواند

طراح سیاستهای ضد خلقی در منطقه بوده و احتیاج به تخییراتی وسیع در کلیه سازمانهای دولتی، وزارت خانه ها، و ارگانهای رژیم و جهت گیری تبدیل آنها بسمت نیروهای فعال و طراح و مجری سیاست کلی امپریالیسم باشد (مسئله مبارزه با فساد که اخیراً عنوان شد لیکن رژیم نتوانست بعلمت ماهیت خود در اطرافش سررودای زیاد براه بیاندازد از این زمینه است) لذا از این پس ما شاهد تخییراتی وسیع در کلیه زوایای جامعه بردیم (در سازمانهای دولتی و غیر دولتی) و از طرف دیگر تغییر رویانهای جامعه نظیر تغییر مبدا تاریخ از مبدا سنتی ایران بیک مبدا متناسب با ایدئولوژی رژیم (یعنی کلا زیرنای اقتصادی و رویانهای فرهنگی باید تخییری در جهت جدید پیدا نماید)؛ تغییر چهره مجلسین از حالت نمایندگان صحیح است احسنت گوی سابق به نمایند - گانی که سمبل آن آزمن این مغز سیاسی ساواک است (که تا دیرز صحبت از وزارتش بود و بناگاه نمایند -

اول تهران گردیده و در مرکزیت رستاخیز جای میگیرد (و ورود سرمایه داران کمپرادور نظیر لاجوردی ، نیکپور علی رضائی ، و مهدوی و ۰۰۰۰۰ به سنا .

تشکیل ارگانهای حزبی جهت کنترل حرکات جامعه و جهت دادن به آنها بسمت اهداف اصلی امپریالیسم ، نابود کردن نیروهای حاشیه و خرده پا نظیر بورژوازی ملی و خرده بورژوازی و تبدیل آن به تشر خدمات (نتیجه ای که از مبارزه با گرانفروشی عملاً گرفته شد ایجاد شرایط مناسب جهت نابودی سریع این طبقه بود) و همزمان با این ایجاد فروشگاههای بزرگ که بتواند به نابودی هرچه سریعتر خرده بورژوازی کمک کند .

مسئله تحصیل رایگان و خارج ساختن سرمایه داران کوچک فرهنگی و از طرف دیگر مجبور ساختن دانشجویان به تصد خدمت با بالا بردن شهریه دانشگاهها در حدود سی هزار تومان ۰۰۰۰۰۰۰۰ همه و همه اجرای مسئله در کلیه زوایای جامعه را نشان میدهد .

دو نکته مهم دیگر باید در نظر گرفته شود تا

سیستم اقتصادی جدید بتواند بر جامعه حاکمیت پیدا
 نماید و بدون اعمال دیکتاتوریهائی نظیر سالهای ۳۲
 تا انقلاب سفید قادر به تامین نیازمندیهای امپریالیسم
 گردد :

- ۱- تخییرات زیربنائی دراز مدت مسئله (زیرا مسئله
 رستاخیز تنها اعلام خط مشی جدید رژیم است نه
 اینکه يك شبه تمام برنامه اجرا گردیده) که خود اساس
 استحکام داخلی سیستم را تشکیل میدهد .
- ۲- تخییرات روئنائی و کنترل روابط اجتماعی جدید
 که ازین پس باید اعمال گردد .

نتیجه هماهنگی د و مورد نوق جهت اجرا مسئله
 به بهترین وجه میباشد. که در قالب جناحها خود نمائی
 میکند . يك جناح برهبری هوشنگ انصاری وزیر اقتصاد
 و دارائی (توجه بسمت دولتی وی) مسئول اجرای جنبه
 اول و دیگری جمشید آموزگار وزیر کشور مسئول تنظیم
 قسمت دوم مسئله . یعنی کلا هماهنگ ساختن زیربنائی
 تولیدی جامعه و از طرف دیگر روابط اجتماعی و ساز-

ماند بعضی درون کشور • که برنامه ریزی در رد و جنبه
نوع شکل بندی هر سیستم اجتماعی را تشکیل میدهد •
در اینجاست که شاه اعلام میکند هدفهای جناحها
هدفهایی نیست که در سابق احزاب دنبال میکردند
یعنی دسته بندیها و حزب بازیهای قبلی بلکه هدف
هماهنگ ساختن تقسیم بندی جدید و صحیحی بین
نیروها و قوای اصلی رژیم است • در حالیکه بعلت عدم
وجود کادرهای لازم و امکانات کافی در این مورد بسیا
ری از مهره های رژیم متوجه این تغییر جهت نگردیده
اند و دخالت دادن آنها در سیستم جدید تنها
بدلیل همین ضعف امکانات میباشد مثلا هلاکورامبد
لیدر فراکسیون حزب مردم سابق در آستانه تشکیل جناح
ها میگوید " من چون هم با آموزگار و هم با انصاری بسیار
دوست هستم هنوز تصمیم نگرفته ام وارد کدام جناح
گردم و برایم فرقی نمیکند (رزنامه کیهان) در حالیکه
شاه بدست گفته " دیگر دوستیها و دسته بندیها
اساس جناحها را تشکیل نمیدهد " •

نمرد مسئله جناحها را در چهره های تشکیل

دهنده این دو جناح بوضوح میتوان دید :

اکثریت قریب به اتفاق روسای دانشگاهها و چهره های برنامه ریز اجتماعی به جناح آموزگار بپیوندند چهره های اقتصادی و افراد ذیصلاحیت رژیم در این زمینه (برنامه ریزهای اقتصادی) در جناح اندامی جای بگیرند .

برنامه های بعد و برخورد های (غیر منعارض) جناحها با یکدیگر اثبات کننده نقش جدید جناحها سوای برداشتهائی است که در سابق از احزاب و جناحهای مختلف با تضادهای درونی میگردید . در حقیقت این دو بصورت دو جزء مکمل یکدیگر عمل میکنند .

پس در حقیقت رستاخیز بمنزله اعلام عهد مشسی جدید رژیم در مرکزیت دادن به نیروهای خویش و جامعه بمنظور اعمال سیاست امپریالیستی در منطقه میباشد که خود نشان دهنده نقش اساسی ایران و

اهمیت آن برای امپریالیسم میباشد •

از سوی دیگر اهمیت تاریخی مبارزه خلق ایران و تاثیر
همیش در منطقه ای وسیع که ضربه را به قلب امپریالیسم
در منطقه وارد میکند •

و با پیروزی جنبش مسلحانه خلق ایران در حقیقت:

" خلق ما گور امپریالیسم را در منطقه

خواهد کند "

" پیروز باد مبارزه مسلحانه

خلق ایران "

پارزشی ۱ - زیرا هدف‌هایی را که این عمل بخواهد
 برای قشری و یا حتی توده مردم توضیح دهد (که
 تأثیرش روی توده چندان بچشم نمی‌خورد) خود جهت
 ‌هایی تثبیت شده در جنبش می‌باشد که همان خصلت
 ضد امپریالیستی جنبش و نشان دادن نقش امپریا -
 لیسم آمریکا در منطقه و ایران می‌باشد و از طرف دیگر
 تأثیرش تنها روی قشر روشنفکر است (که طبق بحث
 فوق احتیاجی به آن ندارد) و این در زمانیست که
 عملاً در روستا هیچ حرکت قابل لمس بچشم
 نمی‌خورد و در شهر نیز حرکات کارگری تنها به
 صورت پراکنده و غیر مرتبط (چون هدف مشترک
 قابل لمس برای طبقه کارگر نه‌لا مطرح نشده است
 لذا ضرورت ارتباط بین حرکات آنها نیز وجود ندا -
 شته و عملاً ارتباطی بین این حرکات پراکنده به وجود
 نیآمده) با یکدیگر و تنها در حدود خواسته‌هایی
 صنفی (که حتی کوچکترین شعارهای سیاسی نیز در
 آن بچشم نخورده بسیاری از اعتصابات با شعار

جاوید شاه خاتمه مییابد (دور میزند)

پارزقی ۲- منظور از شکست ویتنام ختم مسئله در بهار گذشته نیست زیرا طلیعه پیروزی خلق ویتنام و شکست ناپذیری آن در سراسر هند و چین از سالها جلوتر برای آمریکا روشن گردیده بود که تنها مسئله مطرح برای امپریالیسم روی طرز خاتمه نبرد و حداقل ضربه را خوردن مطرح بود ، نه پیروزی در نبرد .

پارزقی ۳- که نظارت و وابستگی سیاسی نظامی یک کشور از جانب امپریالیسم تنها هنگامی امکان پذیر است که زیر بنای تولیدی و اقتصاد آن جامعه تنها در ارتباط با سرمایه داری جهانی امکان ادامه حیات را داشته باشد نظیر موثعبیت سرمایه داری کمپرادور (وابسته) در ایران که تنها در رابطه وجودی با سرمایه داری جهانی امکان ادامه حیات دارد .

پارزقی ۴- به لغت جهت گیری که آورده میشود توجه شود منظور از آن اینستکه نشان داده شود تصمیم به برنامه ای در جریان میباشد نه در مقطع و ناگهانی

شل جهت گیری رژیم به ایجاد مرکزیت بین نیروهایش
 که لزوماً مرکزیت مطلق را نمیتواند ایجاد کند •
 پاررقی ۵- که تشدید خلاّ چنین قطعی در افریقا ،
 خروج اسرائیل پس از جنگ اکتبر بود (سرزنش اسرائیل
 از جانب شاه که نتوانسته نقش خود را ایفا نماید و
 شکست حاصل شوی اسرائیل یعنی بر سرکرب نظامی
 دشمن) از افریقا و سیل دلا و بنای اعرابی نظیر تزدانی
 (مثل عدم پشتیبانی لیبی از جنبش آزاد بیخس چساد
 در تبال قطع رابطه دولت چاد با اسرائیل) که البته
 مختر چندان مهمی برای امپریالیسم ایجاد نیکرد و
 تنها شرایط را مناسبتر برای ورود ایران و خروج اسرائیل
 نیکرد •

لیکن خطرات اصلی را برای امپریالیسم ، رشد مبارزات
 آزاد بیخس خلقهای تحت ستم افریقا تشکیل میدهد
 که این خود محور سیاست نگاهی بر افریقای رژیم را
 تشکیل میدهد که تقریباً پس از جنگ اکتبر اعلام
 گشت و ایضا ورود و خروج سیل آسمای سران مترجع

۲۷
افریقا به ایران در دو سه سال اخیر کمک
های سیل آسای ایران به این کشورها (در برابر همه
سنگال) جهت ایجاد وابستگیهای زیربنائی •
پاورقی ۱- البته عامری خود بیانگر طرز تفکر یسک
جناح در داخل رژیم میباشد و کشتن وی جهت گیری
در حل ساختن حتی تضادهائی در این حدود
است به شدیدترین روش •

۱- گروهی بنام والعصر در اواخر تابستان در -

مشهد لو رفته است .

۲- در مرداد ماه طی یورش که پلیس بخانه ای در

کوی طلاب مشهد که یک گروه از چریکهای سازمان مجا-

هدین خلق ایران در آن بودند میکند . زد و خوردی

بین آنان و پلیس در میگیرد که طی آن دو نفر از چر-

یکها (علی اصغر دروس و سید کاظم مدنی) بشها-

د ت رسیدند .

بگفتند ناظران عینی یورش در اثر انفجاری بوده که در

اثر اشتباه اشراد منزل رخ داده ، در این درگیری زن

همسایه ای از ناحیه پا مجروح و یکی از اطاقهای خانه

صدمه دیده و خراب شده است .

این افراد تاثیر مثبتی روی مردم گذاشته بودند که یکی

از علل آن امکان نسبی در پخش اعلامیه و ترفیغ

عملشان ب مردم برده که اعلامیه های آنها پس از عمل در

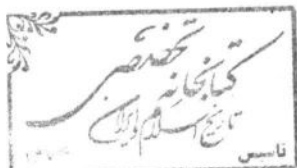
سطح نسبتا وسیع و همه جانبه ای در شهر پخش میشده

است بطوریکه افراد عادی نیز از جریان مطلع میشد ناند

و دیگری بر اثر جوی که بر شهر حاکم بوده است (خراب کردن دور بست حرم مطهر) که باعث گردیده بسیاری از قشرهای خرده بورژوازی و مغازه دارانی که خسارت دیده اند از آنها بعنوان مثبت یاد کنند.

فرد پیری (حدود شصت سال) که مغازه لبنیاتی و خوار و پار فروشی داشته و منازه اش را خراب کرده اند تعریف میکرد که چگونه انجمن ایران و امریکا را منفجر کرده اند. میپرسید که آیا در تهران هم اینطور درگیری دولت با ملت است؟ و تحلیل میکرد که قبلا این درگیری در شهرهای کوچک بوده و حالا که بملت نشار آمده همه جایی گردیده است.

توضیح - هدف از خراب کردن دور بست حرم مطهر از برنامه‌های تاکتیکی نبود یزود رس خوردن بورژوازی میباشد (به تحلیل رستاخیز توجه شود) که بر اثر شرائط خاص هر منطقه و شهر اجرا میگردد (بجز برنامه عام مبارزه با گرانفروشی که در سطح مملکت انجام گردید). نظیر خراب کردن "دکه‌های مزاحم" در بازار



پشت شهرانی تبریز که تعدادی زیاد فروشندگان خرده پا و جزء که شاید حداکثر سربایه هر یک به سی یا چهل هزار تومان میرسید، عملاً از بین رفتند و نه تنها خسارتی به آنها داده نشد بلکه عده معدودی نیز که توانسته بودند یا پرداخت سر قفلی های نسبتاً زیادی در پاساژ شمس آذر گرد آیند با خراب شدن پاساژ مزبور از هستی ساقط گردیدند .

۳- در مرداد ماه هنگامیکه دو جوان با ساکی از-

محلی نزدیک محوطه راه آهن مشهد (که عبورش برای افراد پیاده ممنوع است) عبور نمودند، مورد شك يك استوار شهرانی که يك پاسبان نیز همراه وی بوده ،

قرار میگیرند و هنگامیکه مشغول بازرسی از ساک آنها که در رویش مقداری وسائل حمام قرار داشته میشوند ،

دو جوان مزبور با تیراندازی موفق به کشتن پلیس ها -

گردیده و امکان فرار پیدا میکنند . برای پاسبانها -

مجلس ختم مفصلی گرفته و تشییع جنازه رسمی بعمل میاید .

۴- در خیابان گرگان بین چهارراه عظیمپور

و میدان ثریا سه نفر از چریکهای فدائی خلق پسر از --
 خروج از خانه تیمی متوجه میشوند که در محاصره اند
 یک نفر از افراد گروهِ که دختر بوده با نارنجک و مسلسل
 بسنوان پشتیبانی در فرار دو نفر دیگر کمک میکند • یکی
 از اهالی که بعنوان خود شیونی برای دستگیری دختر
 اقدام میکند توسط وی از ناحیه پا زخمی میگردد • کشته
 شدن دختر و پایان ماجرا در یکی از کوچه‌های خیابان
 کهن اتفاق میافتد و دختر که به گفته ای خود را با
 نارنجک شهید میکند تکه‌هایی از بدنش به در و دیوار
 چسبیده بود منظره‌ی بهت‌آوری را بوجود آورده بود •
 مأموران به مردمی که گفته بودند بیچاره چی شده ؟
 گفته بودند هشت نفر را کشته حقتش بوده • در این در-
 گیری چریکها با شعرهای ضد رژیم از خود دفاع
 میکردند • خبر مربوط به سی مهر است .

توضیح -- علت عدم انتشار این خبر توسط رژیم فرار
 دو چریک بوده زیرا رژیم همیشه سعی دارد در اشاعه
 اخبار یأس‌آور و اینکه هرگز کسی نمیتواند در درگیریها

موفق گردد در حالیکه در پنچسگال اخیر دهنها پار ما
شاهد در گیریهای موفقیت آمیز فرزندان خلق با مزد و بر
رژیم بود ما یم *

پلیس د و روز بعد منطقتای را بین شاهرضا ، گرگان و
نظام آباد خانه گردی میکند که به نتیجهای نمیرسد *
در رفت و آمد در شهر باید توجه داشت مناطقی که در
آنها اتفاقاتی نظیر فوق رخ میدهد معمولا تا چند روز
پس از واقعه آلوده بوده و حرکت در این مناطق امکان در
دید پلیس قرار گرفتن را بدنبال خواهد داشت *

۵- در اواخر مرداد ماه در خیابان خواجه ربیع مشهد
پلیس بیک اتومبیل حامل دو سر نشین شك میکند که
تیراندازی در گرفته سر نشینان موفق بفرار میشوند *

۶- دهقانی خواهر شهید بهروز دهقانی در
روابطی با بعضی از اهالی گرگان بوده که پلیس در مرداد
عدنای را با اتهام رابطه با وی دستگیر میکنند * چون
افرادی مذهبی نیز جزو دستگیر شدگان میباشند شایعه
افتاده بود که وی تغصیر ایدئولوژی داده و مذهبی

توضیح - این شایعه در رابطه با جریانات اخیر و تغییراتی که در سازمان مجاهدین یعنی سمبل مذ - هبی جریان رخ داده معنی میدهد، که مذهبیون ناخود آگاه میخواهند با اینگونه شایعات خواست خود را که فکر میکنند شکست خورده تاکید کنند و آنرا - دلیلی بر صحت راه خود ببینند •

۷- در اواسط مهرماه دو گروه مذهبی درباره اعلام مجردیت میکنند (چون قبلا نیز بوده اند) اعلامیه های این دو گروه در نمازخانه دانشگاه صنعتی پخش شده است و نشاندهنده پایگاه فلسفی مذهبی آنهاست که در آن یکی خود را الفجر و دیگری مهدیون نام - نهاده اند •

۸- در تابستان گروه چریکی بنام "اقتدا" بسا پخش اعلامیه در سینما پلازا که در آن زمان فیلم روشننگرانتهای میداده اعلام موجودیت میکند • گروه مزبور خود را دارای ایدئولوژی اسلامی معرفی و در

اعلامیه خاطر نشان میسازد که از این پس مشغول جمع
آوری تدارکات سازمان دهی

برای مبارزات بزرگ آئینده است .

توضیح - باین گروه نمیتوان گروه چریکی نام نهاد -
چون گروه در عمل باید چریکی باشد نه در حرف و مسلم
کسانی که چنین آغازی دارند (که کلا حالت فرصت
طلبی و عدم دید صحیح نسبت به مبارزات بزرگ آئینده
را نشان میدهد) عاقبت خوشی نیز در آئینده نزدیک
پرایشان متصور نیست .

۹ - بدنیاال جبهه گیری ضمنی مردم در مقابل جار-
و جنجال حزب رستاخیز و همزمان با انفجار سینمای
قم و عطیاتی در چند شهرستان دیگر . در شهرستان
زنجان چهار بمب در عرض یکساعت در مقر استانداری و
مقر فرمانداری و حزب رستاخیز زنجان منفجر گردید .
ساواک زنجان که تا کنون با چنین مسائلی برخورد ندا-
شته سخت از قضیه غافلگیر شده و اقدام بدستگیری جمع
کثیری از اهالی که برای تماشا جمع شده بودند و نیز

منازل، مینماید. لیکن چون چیزی از آنها دستگیرش
 نمیشود آنها را رها میکند. انفجار چهارم بمب هم -
 زمان در يك شهرستان نه چندان بزرگ مدتها ورد -
 زیان اهالی بوده و همه با ناپاوری از آن صحبت
 میکرد تاند؛ اشاره باینکه چند ماه قبل عدای از روحا -
 نیون روشنفکر زنجان بعلمت دست بدست گشتن چند
 اعلامیه مخفی و کشف آن بدست پلیس دستگیر شده -
 بودند که دوسه تن از آنها به حبسهای طویل -
 المدت محکوم شده که هم اکنون در زندان بسر میبرند.
 استانداری و فرمانداری در يك باغ قرار دارند که دو
 بمب در استانداری و يك بمب در فرمانداری و يك
 بمب در حزب رستاخیز کار گذاشته شده بود.
 انفجار روز سوم خرداد صبح انجام گردیده بود.
 یعنی شب سالگرد شهادت برادر شهید، رزمند
 انقلابی سعید محسن که خود اهل زنجان بوده.
 توضیح -- بنظر میاید که انفجار از جانب گروه جدیدی
 بود که تا کنون خبری از موقعیتش مشخص نگردیده

بطوریکه مشاهده شده بود تا دو سه روز کلیه راههای ورودی و خروجی شهر در کنترل ساواک بوده و حتی راه‌های ورودی شهرهای بزرگ اطراف هم مانند تبریز و قزوین بخاطر رد گه‌ری از عاملین این جریان تحت نظر و بازرسی بوده.

از طرف دیگر در رفت و آمد به شهرهای مختلف پایتخت پایین نکته توجه داشت که گاه بگاه بحدت مسائلی که در یک شهر اتفاق می‌افتد ساواک به کنترل راههای ورودی و خروجی شهر مورد نظر با شهرهای اطرافش پرداخته است.

معمولا کنترل پایین هم‌مرت است که تعدادی - ساواک کی در پاسگاه پلیس راه مربوط به شهر مورد نظر متمرکز شده (زیرا در پاسگاه علاوه بر آنکه میتوان از امکانات پلیس راه نظیر بیسیم قوی و اتومبیل ها و موتور سیکلت های آنها استفاده کرد ، متوقف ساختن اتومبیل ها امری طبیعی جلوه کرده افراد مشکوک غافلگیر شده و

تقریباً راه فراری در بیابان نیست ۳۷ و کلیه وسائل -
 نقلیه اعم از اتوبوس کامیون ، سراری و موتورسیکلت ها
 را متوقف کرده با نگاه به قیانه افراد و پرسیدن مبدأ*
 و مقصد و وابستگی افراد بیکدیگر و بازدید صندوق*
 عقب آنها و نیز نگاه کردن لیست مسافری در اتوبوسها
 و پرسش از راننده و کمک راننده از وضع مسافری و
 مبدأ* و مقصد مسافرینی که بین راه سوار شد تاند ، و
 گاهی بازرجوی مختصر از افراد مظنون و پرسیدن شغل
 و خواستن کارت شناسائی ۱۰۰۰۰ اجازه عبور میدهند
 عملاً دیده شده که داشتن محطهای مناسب فرد را -
 قادر ساخته خود را در میان افراد معمولی حفظ
 نماید . البته چون لازمه کنترل راه احتیاج به بسیج -
 امکاناتی زیاد برای پلیس دارد تنها در مواردی با
 اهمیت اقدام باین کار میکند .

۱۰ - خواهر اسیر ناهید جلالی زاده که در ارد -
 بیبهشت ۵۱ همراه همسرش در راپله با شهید
 مهدی رفیائی دستگیر و به چهار سال زندان محکوم

شده و در جریان فرار خواهره مبارز اشرف دهقانی
از زندان دست داشته، تجدید محاکمه و به ده سال

زندان محکوم میگردد.

رئیس شاه خائن بار دیگر نشان داد که هنگامیکه
مبارزات قهرآمیز خسلق اوج میگیرد دیگر زحمت تعیین

ملاک و قانونی جلوه دادن کارش را بخود نمیدهد.

۱۱- بدنبال دستگیری پتول فقیه دزفولی خواهر-
مبارز را با برادر خائن در زندان روبرو میکنند تا برادر

خائن وی را بهمکاری دعوت کند. بطوریکه گفته شده

وی بصورت برادرش آب دهان میاندازد.

پدر و مادر خلیل گفته اند از داشتن چنین پشری

احساس تنگ میکنند.

۱۲- حدود ۱۸ تا ۲۴ بهمن ماه معاون ساواک

مشهد پضرب گلوله های انقلابیون از پای درمیآید که

طی تشریفات خاصی دفن میگردد.

گفته میشود که انقلابیون طبق نقشه قبلی پدر خانه

اورفته و در زده میگویند خانه بکلی آتش گرفته و او

هنگامیکه برای فرار از آتش از خانه بیرون میآید خود را

مقابل با آتش خلق میبندند * بطرف خرابهای در آن -
حوالی فرار میکنند که با دو تن دیگر از فرزندان خلق
سراجیه شده و گلوله های آنها در بدنش جای می-
گیرد *

۱۳- در دی ماه در تبریز، یک سرگرد ارتش یکی
از انبارهای اسلحه را در خیابان شاهپور تخلیه و-
فراری میشود * بعد از این جریان مدت پانزده روز در
تبریز حکومت نظامی برقرار میشود *

۱۴- در اوائل آذر ماه چند فرد مخفی در یک رابطه
با گروهی مذهبی دستگیر میگرددند * یکی از ایشان
شیرین ساعدی عراقی دانشجوی دانشکده فنیسی
(شمسر، مصطفی ملایری که با اتهام ارتباط با مجاهدین
در سال ۵۰ دستگیر و پس از آزادی دوباره دستگیر
و اکنون در زندان است) که پس از دستگیری همسرش
توسط ساواک مخفی گردیده بود *

دیگری مهدی بخارائی (برادر شهید محمد بخارا -
شی که منصور خائن را ترور کرد) که از حدود یکسال قبل

مخفی گردیده بود *

يك كارگر جوان و احتمالا يك دختر دانشجوي ديگر
جزو دستگير شدگان هستند *

خبرهاي كسيپ شده حاكي از شككجه شديده روي
ايشان است ليكن همگي صداقت انقلابي خود را
ثابت نموده اند و تن به خيانت نداده اند *
از يقايي گروه و چگونگي فعاليت هاي ايشان
چيز چنداني مشخص نيست * و گويي مدارك مهمي
نيز در اين روابط بدست ساواك نيافتاده است *
چيزي كه تا حدودي مشخص شده فشار ساواك روي
ايشان براي استفاده تبليغاتي ميپا شد (زيرا تماهي
افراد فوق مذهبي بوده و اختلاف نظرهائي بسا
مجاهدين داشته اند) *

چون بيان مسئله يكي از نظر تجربي و ديگري نشا -
ن دادن بعضي واقعيات كه روشن شد نخره وحدت
واقعي كمك ميكند ارزش دارد بر اساس اخباري كه
در دسترس بوده بذكر آن ميپردازيم و لازمست در

اینجا یادآور گردیم خبر ذیل بر اساس اطلاعات موشق که از دستگیر شدن بدست آمده تنظیم گردیده است:

در اوائل سال ۵۳ گروهی از دانشجویان دانشگاه صنعتی که فعالیت های سیاسی با یکدیگر داشته اند مخفی میگردند که دو برادر شهید مهدی شاه کرمی (که در اوائل تیرماه در اصفهان شهید گردید) و محمد شاه کرمی (که در اسفند ماه ۵۴ در خیابان شاد مهر شهید شد) علی اکبر نبوی نوری (که سال ۵۰ در ارتباط با مجاهدین دستگیر شده و پس از یک سال آزاد شده بود) باتفاق یکی دو تن دیگر از دانشجویان دانشگاه صنعتی که در رابطه گروهی بودند قبلاً از دستگیری (و مهدی شهید هنگام دستگیری در جلوی دانشگاه) از جنگ پلیس میگریزند که پس از چند ماه فعالیت گروهی مخفی خود با سازمان مجاهدین خلق رابطه برقرار کرده همگی وارد سازمان مجاهدین خلق میشوند . لیکن بعلمت بعضی اختلاف نظر ها علی اکبر

نبوی نوری از سازمان جدا شده و به فعالیت جداگانه
 میپردازد (احتمال قریب به یقین مهدی شهید نیز
 به فعالیت جدا از سازمان مجاهدین مبادرت میبرد
 تا در تیرماه ۵۴ بعلت تصادف با موتورسیکلت و انفجار
 مواد منفجره در نزدیکی اصفهان شهید میگردد و به
 علت مخفی بودن نمیتواند با علی اکبر رابطه برقرار کند)
 یکی از افرادی که در رابطه با این گروه جدید قرار
 میگردد فردی بنام فرتاش دبیران بوده (پاورقی ۱)
 وی پس از چند ماه که از مخفی شدنش میگذرد از جانب
 گروه کنار گذاشته میشود (در حالیکه اطلاعاتی از گروه
 داشته است) بطوریکه وی برای دوستان و نزدیکانش
 تعریف کرده بود بطور اتفاقی در خیابان با یکی از
 اعضا مهم سازمان مجاهدین خلق برخورد مینمایند
 که پس از گفتن شرح حال خود و دروغ هائی که بهم
 مییافتد از اینکه اینها قصد دارند من را بکشند
 (گروه) و من نتوانستم با اینها فعالیت کنم
 (در سال ۵۰ نیز اساس زمینه روانی شدنش را این

توهم تشکیل داده بود که مجاهدین بعلمت خیانت‌هایش در بازجوئی قصد کشتن وی را در زندان دارند در حالیکه اصلاً فرد مهمی نبوده که اطلاعاتی داشته باشد و چنین مسائلی پیش‌آید)

عضو سازمان بوی نصیحت میکند که برود و علنی شود و جمله ای گفته است بدین صورت "جانم را بردار و از دست اینها فرار کن" و میگوید این گروه خاطن است و ضد جنبش و صحبت هائی در این زمینه (که این جریان بر خورد همزمان با کشتن مجید شریف واقعی در سازمان بوده و فراتر از این گفتار را برای افراد زیادی تعریف کرده است) این گفتار بر اساس ضعف های وی و خود کم بینی اش نسبت به سازمان در وی موثر واقع میگردد تا جائیکه رسالت خود را در این میبیند که علنی شده و با همکاری ساواک با اصطلاح خودش اقدام به نابودی این گروه کرده و به جنبش خدمت کند (پس از شش ماه مخفی بودن در حالیکه به زنش وابستگی شدید داشته و همسرش اشرف محمودی هنوز عضو

گروه بوده است و فراتاش را تأیید ننموده (وی به ساواک
 رفته و در مقابل قولی که از ساواکیها میگردد میگوید
 من همه گرنه همکاری را برای دستگیری این گروه میکشم
 و شما فقط کاری کنید که همسر من صدمه ندیده و تحویل
 من گردد و ساواکیها با کمال احترام با وی رفتار کرده
 یکی دو روز بعد وی را آزاد میکنند و وی صادقانه
 حتی بدون کمک گرفتن از ساراک به مکانهایی که احتمال
 ردی از گروه در آنجا ها وجود داشته مراجعه میکند
 و نام دهها نفر از دوستان همسرش را که سمپاتی
 داشته اند و ممکن بود بتوانند رابطه ای بسازند
 گروه داشته باشند در اختیار ساواک قرار میدهند
 (در زمانیکه افراد را تنها بخاطر خواندن اعلامیه
 محکوم به حبس‌هایی تا ابد میکنند این فرد که در
 رابطه با گروه مسلحی بوده یکی دو روز آزاد میگردد)
 بر اساس اطلاعاتی که از وی بدست ساواک میافتد
 فعالیت وسیعی برای دستگیری گروه آغاز میشود
 خصوصاً هنگامیکه بوسیله وی متوجه میگردد که گروه به

مواد منفجره دسترسی داشته و در مرحله نظامی قرار دارد . پس از يك ماه همسروی نیز که حامله بوده (در زندگی مخفی حامله شده بود) و دارای ضعفهای فردی بود که بعداً مشخصتر گردید ، تصمیم میگیرد که از گروه جدا شود و اظهار میکند که میخواهم با سازمان مجاهدین رابطه گرفته به آنها بپیوندم در حالیکه يك روز بعد از جدا شدن از گروه خود را به ساواک معرفی نموده در حقیقت به سازمان امنیست میپیوندد .

توسط این زوج هنرمند که مدتی در رابطه با گروه پرده اند (خصوصاً از نظر اطلاعاتی اشرف محمودی که مهدی بخارائی را به قیافه میشناخته در حالیکه هنوز ساواک از رابطه مهدی با گروه اطلاع نداشته است) اطلاعات مهمی از ترکیب گروه و چگونگی فعالیت و امکانات و خط مشی گروه در اختیار ساواک قرار میگردد (حتی اطلاعات عامی که مربوط به گروه خاصی نبوده و به جنبش تعلق داشته است مثل طرز تهیه مواد منفجره

طرز خانه گرفتن، رابطه گیری با افراد علنی، طرز گذاشتن محل ها ، قرارها و ۰۰۰۰۰۰ که ساواک را میتواند در ضربه زدن به جنبش یاری کند . (بطوریکه این دو خصوصا فرتاش به عنوان افتخارات خود نزد دیگران تعریف کرده اند که تا آن زمان ساواک از ارتباط مهدی بخارائی و یکی دو نفر دیگر با گروه کوچکترین اطلاعی نداشته است و اصولا نمیدانسته که این دو دسته نفر مخفی بوده و یا این گروه ارتباط دارند . (یادداشت ۲) بر اساس اطلاعات ذیقیمت فوق ساواک موفق میگردد چند ماه بعد با انرژی زیاد مهدی بخارائی را در تهران دستگیر نماید (در حالیکه اگر رابطه وی با گروه مشخص نبود وی به سادگی با محملهائی قادر میبود ساواک را گمراه کرده و اصولا ربطی به گروه بوجود نهد) .

لازم است توضیح داده شود که گروه در مشهد فعلا لیت میگردد است . اخبار موثقی که از زندان رسیده تاکتیک دستگیری را اینطور نقل کرده اند :

اول اینکه ساواک میدانسته که افراد گروه هنگامیکه به مسافرت میروند با یکدیگر ارتباط تلفنی برقرار مینمایند تا از سلامت هم مطلع گردند و نیز مهدی پخارائی هنگامیکه دستگیر میشود يك بلیط تظار تهران مشهد در جیبش بوده (اشتباه بزرگی است که نباید هرگز تالحمظه مسافرت خصوصا مقصد اصلی که در آن فعالیت داریم ردی مانند بلیط مسافرت در نزد ما باشد وحتسی در جریان مسافرت نیز افراد عادی همدسفر ما حتی الامکان از مقصد نهائیمان نباید مطلع گردند) پس از دستگیری وی ساواک با انرژی زیادی که در مشهد بسیج مینماید و کنترل خطوط تلفنی ماکروویو موفق به دستگیری دو یا سه نفر دیگر که برای کار شخصی به تهران تلفن میکردند در عرض چند روز میگردد (هیچ کس سر قرار و بسر اثر خیانت لو نرفته است) از بقایای گروه و چگونگی فضا ليتهاى آنها اطلاع چندانی در دست نیست (گنتمسه میشود هنگامیکه مهدی غیوران دستگیر گردید يك تسرار تلفنی داشته که به ساواک میگوید و شاید هم به دروغ می

گوید و ساواک کنترل شدیدی روی تلفن شهر تهران می گذارد که فرد تلفن کننده را دستگیر نماید. • یعنی کسی باید در مورد تلفن فکر نکند که چون رابطه غیر مستقیم است ضربه ای نمیخوریم چه بسا که دیدیم بدون اینکه این دو سه نفر بخواهند به مکان خاصی تلفن کنند تنها بر اساس این اطلاع که در عرض دو سه روز کسانی میخواهند با تهران تماس تلفنی بگیرند بدون اینکه حتی مقصد را بدانند موفق به دستگیری آنها گردیده اند. • در حالیکه نیروهای مبارز تحت شدیدترین فشارهای

پلیس در سخت ترین شرایط با محدودترین امکانات به مقابله با امپریالیسم پرداخته اند جای تاسف است که تضاد های درونی چنین ضربات غیر قابل جبرانی بر بیکر جنبش وارد میآورد. • بیآیید با صادقانه ترین انتقادات از خرد خلق را اساس اتحاد قرار داده نیرو های خود را متمرکز تر سازیم. •

پاورقی ۱ - فراتر شدییران در سال ۵۰ بحالت رابطه سطح پائین با جنبش دستگیر و به يك سال زندان محکوم

میگردد که به علت وابستگیهای شدید خانوادگی و طبقاتی در شرایط بسیار عادی زندان سال ۵۰ بدون اینکه حتی کوچکترین شکنجه ای شده باشد روانی میگردد که مدتی در بخش روانی زندان قصر نیز بسر برده است (پاورقی ۲- فراتر از پیندا با سفارش ساواک در شرکت مخابرات با حقوق خوبی استخدام میگردد و همسرش نیز دوباره بنا بر سفارش ساواک در دانشگاه پذیرفته شده مزد خیانت خود را از ساواک دریافت میکنند و دو نفری برای توجیه خیانت خود شروع به تبلیغات علیه گروه میکنند که اینها خائن و ضد جنبش هستند و ما به جنبش خدمت کرده ایم که میخواهیم آنها را نابود کنیم • لیکن طرز زندگی و تضاد در گفتار و اعمالشان چیزی نبود که از جانب افراد آگاه مخفی بماند و بقدری رسوا شده اند که مدتها از آفتابی شدن در اجتماع اهتراز میگردد • در حالیکه افراد گروه در زمانیکه هنوز تضاد های درونی بجاهدین در جامعه منعکس نشده بود بخاطر

اتخاذ موضعی جدا از مجاهدین تحت شدیدترین
 اتهامات از جانب سازمان مجاهدین خلق قرار گرفته
 بودند که با امکاناتی وسیع به شایعات مبنی بر طرد
 آنها از سازمان بعثت ضعف متهم شده بودند در
 حالیکه آنها خود با میل خود از سازمان جدا شده
 لیکن بخاطر دامن زدن به تضاد های درونی جنبش
 و جلوگیری از ضربه خوردن به نیروهای مبارز تنها به
 سکوتی یکساله مانند سکوت امام علی علیه السلام دست
 زدند و به افرادی که با ایشان برخورد کرده و علت جدا
 شدن را سؤال میکرده اند می گفته اند عمل ما بها ثابت
 میکند که واقعیت چیست کما اینکه افرادی که از نزدیک
 با آنها آشنائی داشته و برخورد پیدا کرده بودند و نیز
 شرایط سهمگین شکنجه و مقاومت های مردانه دستگیر
 شدگان نمونه زنده ای از واقعیت میباشد •

۱- در چند ماه اخیر اکثر دانشجویان و کارمندان مجرد صبح که از خواب بیدار میشوند با نامه ای کوچک از کلانتری محل روبرو میشوند که دوست عزیز لطفا ساعت فلان با جناب سروان فلان در کلانتری محل ملاقات کنید . در ملاقات از آنها سئوالاتی در مورد کار و درس ، پدر مادر و آدرس صحیح منزل مینمایند . این کار در سطح نسبتاً وسیع انجام گرفته و با در نظر گرفتن قوانین جدید ، مالک و مستاجر و صحبت از منحل کردن بنگاههای معاملات ملکی و تمرکز آنها در یک واحد دولتی یا تحت نظر مستقیم دولت گوشه ای از برنامه رتیم برای مقابله با رشد جنبش مملحانه خلق میباشد .

۲- در اوائل سال ۵۴ محله های چیدر ، حکمت ، و احتمالاً قیطریه محله گردی شده است (توضیح اینکه این محلات جزو محلات اعیان نشین تهران است) .

توضیح - بدنبال لورفتن یک خانه تیمی سازمان چریکهای خلقی در تیر ماه در کرج (که در جریان حمله پلیس به آن پنج عضو این سازمان بشارات رسیدند)

و بعضی از اطلاعات و اخباریکه بدست ساواک افتاده است مبنی بر اینکه انقلابیون جهت ادامه فعالیت خویش در شرایط پلیسی حاکم گاهی مجبور به استناد به از تظاهر به وابسته بودن خویش به طبقات مرفه اجتماع هستند .
 (محملی که برای اجاره خانه کرج بکار رفته بود که خود را وابسته بیکی از خانواده های متشخص جلوه داده بودند رژیم موضعی برای ضربه زدن به مبارزین پیدا میکنند .
 رژیم از اظهار این مسئله در مصاحبه خلیل فقیه دزفوا خائن دو هدف را در نظر داشته است، اول اینکه با تبلیغات و دروغهای شرم آور خویش سخی در لوث کردن و پایمال کردن ارزشهای اخلاقی انقلابیون داشت ، دوم ایجاد حس عدم اعتقاد در جامعه جهت مشخص شدن انقلابیون از مردم عادی و دادن دید در این زمینه به مردم برد .

مترادف این جریان نیز با پراه انداختن تبلیغات دیگر مبنی بر مبارزه با فساد اخلاقی و مواد مخدر دست روی انگیزه هائی گذارد که از نظر اجتماعی مورد نگرهش عامه

مردم است تا بدین وسیله با تکیه بر حمایت جامعه به اجراء برنامه های تاکتیکی سرکوب انقلابیون بپردازد که این خرد نشان دهنده شکست برنامه قبلی رژیم در مورد جلب پشتیبانی مردم در مبارزه با انقلابیون میباشد (قبلاً محور اصلی تبلیغات رژیم ضد مردم جلوه دادن انقلابیون با تکیه بر تبلیغاتی مثل بانک زدن بخاطر منافع شخصی ، آدم کشی ، تروریسم کور ۰۰۰۰ بود) که ایمن باعث بگردد که هر فرد با دیدن چند مسکوک در منزل همسایه یا محله خویش راضی بر مراد مخدر یا فساد اخلاقی قرار داده و پلیس را در جریان فرار دهند . در اینجا باید توضیح داده شود که در طی اجراء برنامه فوق رژیم سعی در همه جایی و عام بودن مسئله در سطح جامعه کرده که مثلاً پسر فلان ثروتمند مشهور ، مهندس معروف ، یا چند دانشجو ۰۰۰۰ در تریاک خانه دستگیر شدند که بدینوسیله در اذهان عامه مردم شك به چهره فرد خواه وابسته به قشر های مرفه و خواه افراد عادی را ایجاد نماید .

بر مبارزین است که با شناخت مسئله و آگاه ساختن مردم در اینگونه زمینه ها به رسوا نمودن و خنثی کردن نقشه های ساواک در مبارزه با انقلابیون بپردازند *

۳- ساواک در تعقیبات خود از دوربینهای چشمی استفاده میکند که قا در است از مسافتی دور بدون آن که حتی فرد متوجه باشد وی را تحت نظر قرار دهند که نمود هالی از آن علا دیده شده است (منجمله ساعت ۲ بعد از ظهر روز ۴ آبان یک پیکان ساواک با سه سر نشین در جلوی مسجد حضرت ابولفضل در خیابان تاج ایستاده بود و با دوربین بزرگی بدون سعی در مخفی کردن خود مشغول تماشای محلی بودند)

توضیح - در رد تعقیب کردن باید به این مسئله توجه داشت. صرف این مسئله که ما کسی را در دید خود نمیبینیم و کسی پشت سر ما نیست کفایت نمیکند چه بسا که در فاصله ای دور از دید متوجه فرد باشند که البته کنترل فرد هم از این فاصله دور امکان کم شدن وی و فرار از دید ساواک و نیز بهره گیری از امکانات

بیشتر نظیر بیسیم را برای تحقیق کننده دارد که تنها در موارد نسبتاً مهم از این گونه روشهای پیچیده تراستفاده میشود •

بارهادیده شده که نردی که دارای تجربه هم بوده و پیوسته مترجه رد تختیب از ساواک بوده است در هنگام دستگیری توسط ساواک عکسهای از وی در محلهائی خاص نشان داده که وی مترجه گرفتن آنها نبوده است یا در داخل منزلت از وی عکس گرفتند (البته نه اینکه در داخل خانه دوربین یا ضبطصوت کار گذاشته باشند بلکه با استفاده از خانه همسایه یا افرادی که سمپاتی به ساواک دارند استفاده کرده اند) لذا در خانه باید حتماً از محلهائی استفاده نرد که در دید پنجره همسایه ها و افراد خارج از منزل نباشد و نیز عدتاً این گونه عکسها و ردهما که از نرد گرفته میشود و در دستگیری ناهی به وی نشان میدهند عدتاً برای ایجاد وحشت در وی وغول نشان دادن ساواک و اینکه همه چیز را میدانیم حتی در حیطه منزلت از تو عکس گرفته ایم

که علاوه بر ازین قادر بوده اند که با هوشیاری و بکار
بردن روش‌هایی خود را حفظ نمایند *

۴ - هنگامیکه یک موتور سوار تریل ۱۲۵ یا ماها از زیر
پلی در خیابان طبرسی مشهد در تابستان ۵۴ عبور
نیکرد پلیس بوی فرنان ترقت میدهند ولی وی که گواهمینا
نداشته سعی میکند که فرار کند لیکن در تیراندازی
پلیس مجروح و دستگیر میشود و بعدا معلوم میشود
فردی عادی بوده است *

۵ - فرد ورنگسته ای که از ترس المیکارها شبها
دیر بختانه می‌آید یا در ماشین خود در کنار خیابان
می‌خوابد ، تا کنون چندین بار توسط گشتی‌های ساواک
دستگیر و مورد بازجوئی قرار گرفته و هر بار هنگام دستگیری
پلیس با شوخیگری و سیاه بازی با بیسیم با کمیته تماس
گرفته و گفته فرد مورد نظر را دستگیر کردیم و چند مرتبه
نیز به کمیته برداشته شده است * (تابستان)

۶ - در سه ماه حدود چهار یا پنج بچه ۱۲ تا ۱۳
ساله از طرف ساواک بازداشت شده اند اخیر دستگیری

آنها آنقدر غیر مترقبه بوده که ^۷ و آلدین بچند ناما شرکه شده بودند *

۷- افرادی که در کمیته کار می‌نموند حقوق خود را از بانک ملی سنبه بوزه در خیابان سپه میگیرند و خریدشان را هم محصرا زکاد رهای یائین از نررستانه بزرگ سپه (انکلا) در خیابان سپه بر سرری ثبت احوال کل میکنند *

ترتیب ... خلیل فتید در زفرلی مثنائ نام بدآوریکه گفته شده در جلیری همین فروشگاه دستگیر شده است *

رنت آمد در شهر به اینگونه موارد باید توجه داشت *

نام دو نفر که پس از آزادی از زندان معافی شده بودند و پلیس هم شدیداً روی آنها حساس بوده برای انجام کار لازمی مجبور به رفتن به حدود کمیته میشوند که ناگهان با بازجوی سابق خود برخورد میکنند *

آنها که مسلح بودند (بازجو نام از این مسئله مطلع بوده فوراً از محل دور شده بطرف لائزار که محل شلوغی است رفته و در میان جمعیت گم میشوند و بازجو نام که در روی آنها اراده برد به هیچ وجه عکس العمل شدید نشان نمیدهد

۹ - اراسنڈ پائیز دو فرد ، مخفی مسلح هنگامیکه برای
 تمرین موتور سواری با يك موتورسیكلت به طور د و تركه به
 خارج از شهر میروند بدون آگاهی از آلوده بودن محلی
 مشغول تمرین میگردد (چندی قبل عده ای در آن
 محل مواد منفجره تمرین کرده بودند و ساواک روی آن
 ناحیه نسبتاً حساس شده بود) و با موتور در کوه و تپه
 شروع به بالا و پائین رفتن میکنند که متوجه يك ماشين
 آریای آبی رنگ متكوک با دو سرنشین میشوند ، برای
 اطمینان از تحتیب و نیز طبیعی جلوه دادن ورودشان
 به آن ناحیه (که ساواکیها را ختم کرده و باعث شود تا
 در فرصت مناسبتری اقدام به درگیری نمایند) و از طرف
 دیگر کشیدن ساواکیها به محلی خلوت (که در صورت
 درگیری امکانات ساواک مانند استفاده از اتومبیل یا
 مداخله افراد عادی در مسئله محدودتر گردد) وارد
 بیراهه ای میگرددند ، ساواکیها تا حدی که امکان
 داشته با حفظ فاصله ای زیاد برای اینکه در تیررس
 قرار نگیرند بدنبال آنها میروند ، لیکن موتورسوارها که

از تعقیب اطمینان حاصل کرده و تا حدودی به تسهیر نزدیک شده بودند از محلی که امکان عبور برای اتومبیل وجود نداشته وارد راه اصلی میگردند و نفر صفتی آصاده مقابلہ گسته و تا حدودی نیز این مسئله را وانمود میکنند که قصد حمله دارند و با سرعت بطرف شهر حرکت مینمایند اتومبیل ساواک از تعقیب صرفنظر کرده اجازه فرار به آنها میدهد در حالیکه از نظر کوشش اتومبیل و امکان حمله (چون در پشت سر موتور سوارها قرار گرفته بودند) از موقعیتی مناسبتر برخوردار بوده اند بعلمت عدم دسترسی به امکانات وسیعتری که در شهر از آن برخوردار هستند با اینحال جرات حمله بخود نداده و خود را بخطر نمی اندازند *

توضیح — مواردی نظیر فوق بکرات دیده شده است که هنگامیکه عناصر کثیف ساواک خود را در وضعی ضعیفتر و حتی برابر یا انقلابیون دیده اند سعی در درگیر شدن و بخطر انداختن خود ننموده از معرکه میگریزند و این بر اثر فداکاریهای انقلابیونی است که در درگیر

یهای تاکتیکی (زیرا درگیری استراتژیکی خود جریان مبارزه را تشکیل میدهد) نه تنها انار جان غمیشد ریخ نورزیده اند بلکه تنها بفکر وارد آوردن ضربه ای هرچسه سهمگینتر بر دشمن بوده اند .

۱۰- طلبه ای که در جیانات سال گذشته قم مخفی شده بود (نه در ارتباط با سازمان یا گروهی چون مخفی شدن بعلت سنگینی محکومیتها دیگر بصورت يك سنت درآمده است) دوبار بعلت مشكوك شدن توسط ساواك قم دستگیر شد حتی نام واقعی خود را گفته لیکن بعلت شلغ بردن و عدم مرکزیت ساواك ، متوجه تحت تعقیب بودن وی نگردیده وی را آزاد مینمایند .

۱۱- فردیکه با نام و نام خانوادگی دیگری بجز آنچه در شناسنامه اش بوده در محیط کار شناخته میشده - است ، و در ضمن بعلت انجام امور رسمی که لازم اش استفاده از نام و شناسنامه میباشد همه نام - حقیقی او را هم میدانسته اند ، و بار توسط ساواك دستگیر شده

و هر دو بار با نام مستعار خود معرفی گردیده
و حتی با همان نام مستعار محاکمه و محکوم بزندان نیز
گردیده است که در هیچیک از دو مورد ساواک متوجه -
مسئله نگردیده است .

توضیح - اطلاعات ساواک از جنبش و حتی مردم
عادی عدد تا بر اساس اعترافات خود فرد و دیگران و -
ندر تا نیز از تعقیبات (که تعقیبات تنها ظاهر یک .
مسئله را نشان میدهند که فلان روز فلان کس پفلان مکان
رفته نه اینکه چه گفته و چرا رفته) میباشد . و این بعلمت
نداشتن پایگاه طبقاتی در میان توده مردم میباشد
در حالیکه اطلاعات بسیار ظریفی از زندگی عادی
وکلای مجلس ، سناتور ها ، روسای عمده ادارات ،
وزرا دارد و این بعلمت ماهیت طبقاتی وی میباشد
که پایگاه طبقاتیش بورژوازی کمپرادور بوده و لذا از این
طبقه میتواند اطلاعات دقیقی داشته باشد .

۱۲ - چندی قبل هنگامیکه دو فرد مخفی که شدیداً
هم ساواک برای دستگیری آنها تلاش میکرد و عکس آنها

هم در لیست فراریها بوده وقتی برای انجام کاری وارد
 کوچه بظاهر بن بستی میگردند (در یکی از شهرستانها
 بحلت رفتار نامناسب از نظر دزدی مورد شك شخصی
 قرار میگیرند) که بعدا محرز میشود این شخص از عناصر
 ساواک است) اتفاقا چندی قبل دزدیهائی در این محل
 صورت گرفته و بمنزل همین شخص هم دستبرد زده بودند
 لذا اهالی محل نسبت به افراد ناشناس حساس بوده اند
 به این ترتیب فرد ساواکی بکمک اهالی اقدام بدستگیری
 آنها مینماید . پس از دستگیری و بازرسی بدنی يك كارد
 شکاری از جیب یکی از آنها بدست میآید ، برای توجیه
 همراه داشتن كارد او میگوید " راننده هستم و از ترس
 اینکه مسافرین مرا بد بیابان بکشانند و دخلم را خالی
 کنند این كارد را همیشه با خود همراه دارم شخص
 دستگیر کننده میگوید پس منم که سازمانی هستم لابد
 باید همیشه اسلحه با خود حمل نمایم " بهر حال دو
 فرد مخفی برای معلوم نشدن مسئله سیاسی بطور غیر
 مستقیم هیگویند که هدفشان دزدیدن وسائل مختصر

اتوصیل بوده و باز اولشان میباشد که دست بچپتین کاری زده اند *

در کلانتری و آگاهی از آنها انگشت نگاری میکنند
 (اثر انگشت آنها بعلت سابقه های سیاسی و غیر سیاسی هم در ساواک و هم در شهرداری وجود داشته است)
 هنگام بازجویی در آگاهی و کلانتری بعد از کتکهای که میخورند با گفتن نام جعلی و محطها ٹیکه قبلا داشته اند و در فرصت های مناسب میگذارند میتوانند مسئله را يك دزدی ساده جلوه داده و چون اظهار داشته بودند که سابقه دزدی هم ندارند پس از يك شب خوابیدن در زندان با پرداخت جریمه نقدی در دادگستری آزاد میشوند *

توضیح — مسئله اثر انگشت که اینهمه روی آن تبلیغ میگردد تنها از نظر تطبیقی در تعدادی محدود قابل استفاده میباشد یعنی در آگاهی میگویند نامت چیست و برای اینکه ببینند فرد سابقه دزدی دارد یا خیر در لیست اسامی دزدان و پرونده های آگاهی نگاه میکنند

نه اینکه اثر انگشت وی را در میان آثار انگشتی که از افراد سابقه دار وجود دارد جستجو کنند (عملاً این کار غیر ممکن است) بلکه تنها در مواردی مثل اینکه در محلی حادثه ای یا دزدی ای رخ داده و اثر انگشت دزد بجا مانده باشد و سپس با افرادی مظنون شوند آنها را دستگیر کرده در صورت اقرار نمودن آثار انگشتشان را با اثر انگشتی که بدست آورده اند تطبیق میدهند که تازه آنهم ابتدا سعی میکنند از خود افراد مظنون اقرار گیرند .

بارها دیده شده که افرادی که اثر انگشت آنها در ساواک و شهربانی موجود بوده و بعلت بعضی برخوردها کارشان به آگاهی و کلانتری کشیده شده و پس برای تکمیل پرونده هم از آنها انگشت نگاری هم شده با گفتن نام جعلی متوجه سابقه میاسی و غیر سیاسی آنها نشده و آزاد گردیده اند .

از طرف دیگر در حالیکه سعی در مطلق نشان دادن تدرت خود در جامعه دارد (صفحه حوادث ریزنامه ها

همیشه پراست از دستگیری قاتلان ، دزدان ، ...»

پارها و بارها ما شاهد چنین برخوردهائی بوده ایم که نظیر مورد فوق عناصری از ساواک نیز در برخورد قرار گرفته اند (احتمال زیاد فرد ساواکی فوق عکس این دو نفر را بعنوان فراری دیده بوده است) لیکن بعلت عدم مرکزیت و مطلق نبودن رژیم و دستگا‌ه‌های عریض و طویلمش که تنها در ذهن این مطلق بودن وجود دارد نه در واقعیت ، مبارزین قادر گشته اند از تررهای پلیسی فرار نمایند . و این تنها در پرتو شناخت صحیح که ناشی از تجربیات عینی از چگونگی روابط داخلی رژیم و جامعه امکان پذیر بوده .

۱۳ - در تاپستان شخصی را در خیابان دستگیر

کرده تحت شکنجه و آزار قرار میدهند که هرچه میدانی باید بگویی تا چند روز این عمل ادامه داشته تا اینکه

میبینند کارشان بی نتیجه است بعدا مشخص میشود

که علت مشکوک شدن در خیابان کت پوشیدن در تاپستان

و پشت سر را مرتب نگاه کردن بوده است . سپس فرد فوق

- ۱۴ - در خیابان پهلوی در اوائل پائیز دختری که چادر مشکی بسر داشته و ساکی در دست داشته مورد شك گشتیهای ساواک قرار میگردد که در خیابان اقدام به گشتن سالک وی مینمایند که بیشتر بوده است •
- ۱۵ - در آبانماه فرد دیگری را دستگیر میکنند (در خیابان مشکوک میشوند) که بعدا مشخص میگردد بعلت پوشیدن کفش راحت و پیصدا بوده است •
- ۱۶ - در خیابان سیروس تهران در آبانماه گشتی های ساواک به شخصی مشکوک میشوند که مشغول تعمیر ماشینش بوده ، او بارانی سفید بتن و عینک بچشم داشته و يك سري سؤال جواب از او میکنند و میگویند کجا میخواستی بروی ؟ و او میگوید بسینما بکدام سینما ؟ و بالاخره وی را تاسینما همراهی میکنند •
- توضیح - اگر هر کدام از گشتیهای ساواک موفق به دستگیری يك فرد فراری گردند پنج هزار تومان پاداش بهر يك از آنها تعلق میگردد •

۱. دختر جوانی هنگام رفتن بخانه دوستش از طرف گشتی های ساواک دستگیر میشود از وی میپرسند از کجا میآئی بکجا میروی ، چکاره هستی ، برای چه بمنزل دوست میروی ، درستت چکاره است ، آدرس منزلت چیست و..... و چون محل نزدیک بخانه درستش بوده برای اطمینان بخانه درستش میروند و البته برای وارد شدن به خانه نیز خیلی با مراقبت و حساب شده و آماده حمله که مبادا کلکی در کار باشد و نیز برای اطمینان بیشتر از وی میخواهند بخانه خودشان تلفن کرده و در حضور مامورین با خانواده اش صحبت کند . سپس وی را آزاد میکنند .

۱۸ - از اوائل اسفند به بعد بعضی شیپها بطور

بناگهانی ساواک قم به مدارس حوزه علمیه ریخته و وارد حجره ها شده بعضی افراد را دستگیر کرده و از بعضی سئوالاتی میکنند . در این یورشها حجره ها هم مورد بازرسی قرار میگردد . و نیز رزها اطراف مدرسه حقانی دانشا مامورین ساواک حضور داشته و آمد و رفت را کنترل

۶۸
میکنند. نا شاید ردی از جنبش بیدست آورند.

۱۹ - ۲۳ آبان عده ای از دانشجویان بکوههای

شمیران میروند که بعلت طوفان شدید و کم کردن راه

یکی از دانشجویان شهدی بنام حمید حامد اکبر

طوسی در کوه در اثر انجماد در میگذرد. بقیه آنها

فردای آن روز بعلت وضع نامساعد پا به در مانگاه میروند

و قتی علت ناراحتی پا که سرما زدگی بود روشن میشود

ماشین پلیس بیدر مانگاه آمده پنج تن از آنها را دستگیر

و بقیه بوسائل مختلف از بیمارستان فرار میکنند.

چهارشنبه ۲۰/۱۲/۵۴ در خیابان شاه عباس
 واقع در خیابان عباس‌آباد يك زن و شوهرش که حدود
 ۴۵ سال داشته است مشغول خرید کفش بودند که
 زن متوجه می‌گردد پولش در کیفش نیست پزن جوان
 دیگری که بهمراه نامزد خود برای خرید آمده بودند
 مشکوک گشته باو تهمت میزند که پول مرا تو برداشته
 ای زن جوان ناراحت می‌گردد و در این بین نامزدش
 که در بیرین مغازه بوده وارد مغازه گشته با شوهر
 زنی که پولش گم شده بود وارد نزاع می‌گردد و سیلی
 پدمورت وی میزند • مرد کثیف ۴۵ ساله که جریان را
 چنین میبیند و زورش بجوان نمیرسد بسیار ناراحت
 شده و سلاح کمری خود را بیرون کشیده و سر بعقب
 جوانك میگذارد که جوانك قصد خارج شدن از مغازه
 را میکند • مرد کثیف با قضاوت قلب هر ساواکی
 مزدور با تیر مغز جوان را متلاشی میسازد که وی در -
 جا گشته میشود • پس از این جریان مزدور ضد خلق
 قصد فرار داشته که توسط مردم دستگیر گردیده و

زن و مرد کتک مفصلی بوی زده و تحویل کلانتری میشود •
 بدیهی است ریزنامه های جیره خوار رژیم در چنین موارد سکوت کرده و وظیفه نوکری خویش را بجا میآورند •
 در حالیکه رژیم با بوق و کرنا گوش مردم را کر کرده و پیرسته دم از انسانیت میزند و امثال شهید محمد شاه کرمی (که برای صدمه نزدن بمردم نارنجک را در شکم خود گرفت) ، و واقعه لاله زار را دزدی جلوه میدهد یک نوکر جیره خوار کثیف بصرف یک نزاع معدولی سلاح خویش را روی مردمی عادی کشیده و از آدم کشی باکی ندارد •

۱- در اوائل سال ۵۳ رژیم سازمانی نظامی بنام

ارتش نوجوانان تشکیل داده که در این سازمان جوانان کمتر از ۱۸ سال را برای احراز پستهای پائین ارتش در آینده تربیت میکند مقر و محل تعلیماتی این ارتش

پادگان لشکرک واقع در شمال شرقی تهران است •

دوره ارتش نوجوانان دو سال میباشد که سال اول

۵۰۰ تومان و سال دوم ۱۲۰۰ تومان حقوق دارند

و باید در ابتدای ورود مدرک سیکل به بالا را داشته

باشند • در هفته پنج روز خدمت کرده که سه روز آن فقط

دروس کلاسیک یعنی چهارم و پنجم متوسطه است •

دو روز باقی مانده را تعلیمات ارتشی و نظامی فرا می -

گیرند • دانش آموزان شبانه روزی بوده و در هر سه ماه

۱۵ روز مرخصی میگیرند و سالیانه نیز از ۱/۵ ماه مرخصی

استفاده میکنند • پس از پایان دو سال درجه گروهبان

دومی میگیرند • تا کنون دو دوره در این سازمان

پذیرفته شده اند •

توضیح - چون کادرهای پائین ارتش اکثرا از طبقات

محروم جامعه بوده که بعلت محرومیت‌های اجتماعی صرفاً
 بخاطر مسائل مادی وارد خدمت ارتش میگردند ، لذا
 رژیم در درگیریهای آینده اعتماد چندانی به آنها نمی
 تواند داشته باشد . لذا هدفش از ایجاد چنین
 سازمانی تربیت افراد از سنین نوجوانی برای تامین
 کادرهای مطمئن در کادرهای پائین ارتش است .
 در ارتباط با این مسئله رژیم سعی دارد با ایجاد
 وابستگیهای اقتصادی در کادرهای بالای ارتش آنها
 را به حفظ وضع موجود و امنیت داخلی بر اساس منافع
 فردیشان بیشتر از پیش‌علاقه مند سازد (عملاً در سطح
 کل ارتش این برنامه قابل اجرا نبوده و رژیم تنها قادر
 خواهد بود قشر بالای ارتش را تا حدودی صادقانه
 بخدمت خویش درآورد) مثلاً مقدار زیادی از زمینهای
 شمال کشور خصوصاً مناطق جنگلی (که بتازگی در چند
 سال اخیر بسیاری از مناطق جنگلی که از نظر موقعیت
 سوق الجیشی دارای اهمیت میباشند تراشیده شده
 و تبدیل به اینگونه زمینهای زراعی گردیده است) را

بین ایشان تقسیم کرده و با ایجاد شبکه راههای فرعی و مناسب در این مناطق هم زمینها را اقتصادی و قابل استفاده ساخته و هم باعث گسترش کنترل پلیسی بر این مناطق شده است. و بر اثر این برنامه تضاد مستقیمی بین منافع اقتصادی کادریهای بالای ارتش از یکطرف و نفوذ احتمالی آینده انقلابیون از طرف دیگر در منطقه سوق الجیشی بسیار با ارزش شمال ایجاد میگردد.

این مسئله در حد بسیار مشخصی در مناطق بین رامسر و چالوس مثل کلاردشت که دارای جنگلهای عمیق و منطقه ای کوهستانی است بچشم میخورد.

۲ - چندی قبل يك سری کتابهایی که از نظر ارتش خواندن و نگهداری آنها برای ارتشیان ممنوع است بصورت يك لیست به ارتشیان داده میشود. کتب دکتر علی شریعتی و بعضی کتب مذهبی و بعنوان سرپوشش مسائل دیگر نام يك سری کتابهای مزخرف و سکمی هم در این لیست دیده میشود. (این لیست به افراد نیروی هوایی هم داده شده است)

۳- بدنبال انفجار يك انبار مهمات در پادگان مراغه در ماههای اول سال ۵۴ و خسارات هنگفت - صحبت از انفجاری جدید در یکی دیگر از پادگانهای آذربایجان در آبان ماه میشده است، که در بین مردم شایعاتی مبنی بر کشته شدن چهار صد نفر بوده است -
 ۴- (اخبار زیر در جریان حدت مسئله ظنفار در پاییز ۵۴ جمع آوری شده)

الف- اعزام سرباز و درجه دار بسرزمین جنگ زده ظنفار در سطح وسیعی انجام میگردد و این کار توسط دولت وضع علنی بخود گرفته است و چون تلفات این جنگ بخصوص برای دولت ایران سنگین است يك نوع نارضایتی وسیع در سطح عمومی از اینکار ایجاد شده است .
 اکنون خانواده های زیادی میتوان یافت که یکی از اعضای وابسته بخود را در این جنگ از دست داده اند . در شروع کار ارتش سعی در تحویل دادن اجساد بخانواده هایشان میکرد ولی اکنون اینکار بعلت تلفات زیاد دیگر انجام نمیگیرد و خانواده ها بهر ترتیب سعی

درفرار بچه هایشان از خدمت سربازی دارند .
 ۴ - اواخر مهر ماه در حین عبور آمبولانس‌های حامل
 اجساد مقتولین ظفار از ناحیه شهباز مردم زیادی
 در سرک‌کوچه‌ها و با زار جمع شده و صدای ضجه
 و گریه بلند بود از قول یک زن که پسرش همین روزها
 به ظفار می‌برند " میروم هر طور شده جلویش را می
 گیرم نه بآن سی هزار تومن نه اینطور بچه های مردم
 را میکشند " .

۵ - در مورد جنگ ظفار دیپلمه وظیفه ای که از
 جنگ ظفار برگشته بود تعریف میکرد که روحیه سربازان
 ایرانی بسیار خراب است . حمله های برق آسا و
 ناگهانی چریک‌ها و سربریدن بلاء استثناء دشمن
 توسط آنان خورد و خواب را بر آنان حرام کرده به
 طوریکه هنگام ناهار خوردن از ترس جان تفنگ را به
 زیر و قراول می‌روند . در هنگام خدمت این دیپلمه
 یکی از تیجساران امرای ارتش ایران که برای نظارت
 بر جنگ به ظفار رفته بود هنگام پیاده شدن از هلی -

کوپتر در منطقه در حال جنگ بوسیله يك ماده منفجره
 (احتمالاً موشك) ترور میشود . او میگفت تعداد
 تلنات هم خیلی زیاد است (مهروماه)
 توضیح - رژیم ضد خلقی ایران بارها ادعا کرده است
 که جنبش آزادببخش خلق ستمدیده ظفار را بکمسک
 مزدوران سلطان قابوس از بین برده . اینگونه دروغ
 های وقیحانه که تنها خاص امپریالیسم و سرسپردگان
 او میباشد را بارها شنیده ایم . در بولیوی
 دیدیم که پیش از دهها بار اعلام داشت چه گوارا کشته
 شده بطوریکه وقتی واقعا کشته شد کسی باور نداشت
 و یا خبرهایی مبنی بر پیروزی فرضی اسرائیل در فلسطین
 و یا غلبه پیش از حد بعضی اخبار بنفع اسرائیل و یمن
 اخباری مبنی بر شکستن ستون فقرات تشکیلات خرابکاران
 توسط پلیس که بارها و بارها در روزنامه ها عنوان گردیده
 است .

ولی میبینیم هنوز خبر «سرکوب جنبش ظفار مرکبش
 در روزنامه ها خشك نشده خبرهایی مبنی بر وجود

خارجی داشتن جنبش ظفار را در روزنامه ها میبینم
 منجمله کیهان خپر از شرکت نمایندگان شورشیان
 ظفار در جلسه ای در عراق را میدهد (کیهان مورخ
 ۲۰/۱۲/۵۴) • و حالا رژیم شروع کرده ایجاد
 زمزمه هائی مبنی بر ورود داوطلبان کویاائی به یمن
 جنوبی جهت از سرگیری ادامه خرابکاری تا بدین
 وسیله در گیریهای آینده خویشرا در منطقه موجه
 جلوه دهد و ادامه جنبشرا شروع تازه ای بوسیله
 سربازان کویاائی نشان دهد •

۶ - از یکی از شهرستانها سوار کرایه شدم تا به
 تهران بیایم • دو سرباز نیز در جلوی کرایه نشسته
 بودند (که بعد معلوم شد بچه شهر بوده و حداقل
 حدود سیکل اول درس خوانده اند) میگفتند که
 شش ماه در ظفار بوده اند و خیلی بآنها سخت
 گذشته و تحریف میکردند که هر ماه خوانندگان معروف
 مثل هایده ، گوگوش ، عارف ، برای سربازان
 برنامه اجرا میکردند •

سعی کردم آنها را بصحبت بکشم لیکن پس از يك ریح
 که از حرکت ماشین میگذشت سرازان سیگارهای
 مخصوص خود را که توتون آن مخلوط با حشیش
 بود کشیدند یکی از آنها گفت اینهم یادگار ظفار
 است و بحال خلسه رفته و کوشش مرا بینتیجه گذاردند •
 بیاختیار بیاد گزارشاتی افتادم که مطبوعات خارجی
 هرچند یکبار از وضع غسادهای داخلی ارتش آمریکا
 در ویتنام تهیه میکردند که حاکی از اعتیاد اکثریت
 قریب باتفاق آنها بود و اینکه چگونه يك ارتش امپریا -
 لیستی بعلت ماهیت خود دچار چنین مسائلی میگردد
 و قادر به ادامه يك پیکار همد خلقی نیست •

۱- در یکی دو هفته اول آبان در دانشکده علم و صنعت اعتصابی نه چندان بزرگ به پشتیبانی از مردم -
 مستجیده شیران نو صورت گرفت *

توضیح - این مسئله نمودی از رشد سیاسی جنبش دانشجویی مییافتد که لزوم پیوند خوردن ، پیشاهنگ را با توده مردم حس کرده و درک میکند * دو -
 سال قبل نیز دانشجویان دانشگاه تبریز به پشتیبانی از اعتصاب رانندگان شرکت واحد تبریز اقدام نموده بودند که تاثیر زیادی در شهر بجای گذاشته بود *

۲- در ۲۵ مهر صبح روزی که قرار بود پری زنگه در تالار خواجه رشیدالدین فضل ۰۰۱ دانشگاه تبریز آواز بخواند ، این تالار طعمه حریق گردید و می -
 سوزد * شایع شده بود که حریق عمدی مییافتد ، لیکن روزنامهها نوشتند که در اثر اتصال سیمهای برق بوده است یعنی کارگرانی که برای آماده کردن سالن آمده بودند اشتباهی میخ بدیوار کوبیده باعث اتصال و آتش سوزی گردیده است * وسعت حریق بحدی بوده که

حدود پانزده میلیون تومان خسارت بیار آورده است.
 مقامات مسئول همان شب ترتیب نمایش را در کاخ جوانان
 تبریز میدهند *

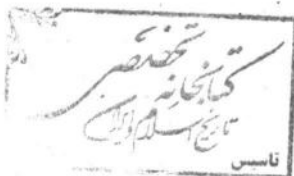
توضیح - با ظهور طبقه جدید بوژوازی کمپرادور در
 ایران (سرمایه داری وابسته) و متناسب با استقرار
 زیربنای تولیدی آن از سال ۱۹۱۶ به بعد، فرهنگ و -
 رونماهای آن نیز در ایران به پیدائی در میآید و شکل
 میگیرد، و نمودهای عینی آنرا میتوان در رونماهای فر-
 هنگی نظیر تالار رودکی، کلوب زونتتا، انجمن طرفداران
 گل، ورود سیل آسای مد سازان خارجی به ایران و اجرای
 نمایشهای مد بطریق رم و پاریس و لندن در هتل هائی
 نظیر هیلتون، شرایتون و حتی سرایت آنها به شهرها،
 مهم نظیر تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز (نمایش
 مدی که اخیراً در پنج شهر فوق برگزار شد)
 و جشن هنر (که در اوائل برگزاری این جشن در سال
 ۵۱ در نمایشی بنام شهر قصه فرهنگ سنتی ایران بباد
 تسخر گرفته شده بود) میتوان مشاهده کرد * پهریزنگه

هم یکی از خوانندگان این طبقه است که در تالار رودکی برنامه اجرا میکند و با وجودی که ناپهنایت تحصیلات آواز خود را در اطریش، آلمان، سریس گذرانده و پسیا شروتمند میباشد یکی دیگر از این خوانندگان منیر وکیلی خواننده اهراست که زن عبدالمجید مجیدی وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه یعنی یکی از حساسترین پستهای دولتی است *

از نظر اطلاعاتی قابل توجه است که این مراکز و محفل های پورژوازی کمپرادور عموماً در یک ارتباط با دربار میباشند * ولی در مقابل رشد فرهنگ طبقه حاکمه فرهنگ مردمی هم رشد مییابد و بارورتر و غنی تر میشود *

فرهنگی که صفت پهرنگها در آن جای دارند

۳- سال گذشته هم زمان با ایجاد حزب رستاخیز دانشجویان مدرسه عالی اراک دست به اعتصاب علیه برنامه های دانشگاهی میزنند و در این واقعه کسه سنجر به دستگیری عدلهای از دانشجویان میشود و شیشه های دانشگاه خرد میگردد * دستگیری دانشجویان



به این ترتیب بوده که در خیابان هرکه حدس میزد نرسد
 دانشجو است دستگیر میکرده اند * در این اعتبار
 دانشجویان به خیابانها میگریزند و شعار میدهند و
 مردم نیز با آنها همراه میشوند این واقعه همزمان با کشته
 شدن ۹ نفر از زندانیان بوده که برادر یکی از شهدا در
 این دانشکده درس میخواند *

توضیح - علی رغم برنامه رژیم مبنی بر جدا سازی دانش-
 جویان از مراکز پژوهش و جمعیت و کوچکتر نمودن واحد های
 دانشگاهی (مانند برنامه انتقال دانشکده فنی به امیر
 آباد ، جلوگیری از مرکزیت یافتن دانشگاه تهران ،
 جلوگیری از گسترش دانشجویان دانشگاه صنعتی و
 انتقال دانشگاه به اصفهان و ۰۰۰۰) بتدریج پا کشیده
 شدن تظاهرات دانشجویی به مراکز و واحد های کوچکتر
 دانشگاهی ، شاهد اوج گیری اعتراضات قهرآمیز
 فرزندان خلق بوده ایم *

۴- بیانیه های سازمان مجاهدین در حد نسبتاً
 وسیعی در مراکز دانشگاهی عمدتاً پخش گردید *

توضیح ... در حالیکه توده مردم اصولاً با چنین مسائلی درگیر نبوده و حرکات کارگری حداکثر در حدود اعتراضات صنفی محدود میگردد ، کشانیدن جامه‌ها روشنفکری به این مباحث خود نشان دهنده فاصله عمیق خلق و پیشاهنگ میباشد ، که مبارزین بجای کشیده شدن باین گونه مباحث و به درگیریهای درونی و وظیفه دارند با گذشتن از بسیاری مسائل غیر مهم و جهت گیری دراز بین بردن این فاصله به هرکردن این فاصله کمک نمایند . خصوصاً نکته مهم دیگر که در بیانیه بیچشم میخورد مساله غیر قابل لمس بودن بسیاری از تحویل دعا و مقالات بیانیه مثل مقدمه ای بر اعلامیه وحدت و نیز بعضی مباحث و قسمتهائیکه صرفاً جزو آموزش داخلی سازمان بوده و لازمه درک آنها یک سری آموزشهای سیاسی و ایدئولوژیک میباشد و عملاً برای اکثریت قریب به اتفاق قشر روشنفکر نیز غیر قابل درک بوده است که خود باز نشان دهنده فاصله عمیق تجری و سیاسی بین جامعه روشنفکری و پیشقراولان مبارزه میباشد

پس از شهادت برادر "مهدی امیر شاه کرمی"

که دانشجوی دانشگاه صنعتی بوده دانشجویان این دانشگاه اعلامیای دست نویس در تجلیل از وی منتشر نمودند * وی بعلت خصوصیات ارزنده و شخصیت پابزش در میان دانشجویان مبارز و بسیاری از اهالی اصفهان محبوبیت داشته است *

محمد امیر شاه کرمی بادیچانی که در ۲۸ بهمن ماه در خیابان شاه مهر شهید گردید برادر شهید مهدی بود همانطور که از اعلامیه بر میآید دو برادر در سال - ۵۱ بعلت شرکت در تظاهرات علیه نیکسون بازداشت شده و مهدی که دانشجوی سال اول بوده به شش ماه زندان محکوم گردید * وی همراه عده ای دیگر از دانشجویان دانشگاه صنعتی گروهی را تشکیل داده دست به خود - سازی سیاسی نظامی زدند * خصوصیات ارزنده اخلاقی

، قدرت تفکر و خصوصیات ارزنده مهدی همیشه زیانزدگسانی بوده که وی را میخشناخته اند * وی با ساینس و دستاوردش بوسیله مصادره فروشگاههای بزرگ برفع خلقت

(قابل توجه آنکه کلیه اجناسی را که مصادره مینمردند در اختیار فقرا و جنوب شهریهها قرار میدادند و باین ترتیب هم ایجاد سمپاتی بنفع جنبش میکردند و هم در عملیات نظامی کوچکی خود را ورزیده میگردانیده اند)
 ، تهیه پاسپورت ، و پول با زدن کیف در مناطق خاص نظیر زعفرانیه ، سلطنت آباد ، الهیه ۰۰۰۰۰ (یعنی با شناسایی کامل افرادی که مستقیماً در جهت رژیم بودند) به خود سازی میپرداختند و در این جریانها چندین بار توانسته بود از دست مامورین و افراد عادی با موتورسیکلت فرار کنند و یکبار هنگامیکه کیف زن یک سپهبد ارتش را مصادره کرده بود توسط مامورین کلانتری قلعهک دستگیر گردیده و به کمیته فرستاده شد ، در این زمان اسواک شدیداً روی مصادره پاسپورت و تصدیق حساس گردیده بود و چون فکر میکرد ردی بدست آورده مدت ۲۰ روز وی را تحت شدیدترین شکجهها قرارداد (ساعتها شلاق ، توهین ، ریختن ادرار و نجاست بد هان ، آویختن از پای درخت همراه کتک ۰۰۰۰۰۰)

لیکن وی مردانه مقاومت کرد و گفت چون احتیاج به پول
 داشتم و پدرم فقیر است دست به دزدی میزدیم تا خرج
 تحصیلی خود را در آوریم و پس از ۲۰ روز تلاش عجیب،
 توانست ساواک را قانع کرده آزاد شود و پس از آزادی
 همراه برادرش و چند تن دیگر از دوستانش مخفی گردیده
 و پس از مدتی با مجاهدین تماس برقرار کردند تا اینکه
 در تیرماه سال ۵۴ در اصفهان شهید گردید.

محمد و مهدی این فرزندان راستین خلق از خانواده
 ای روستائی و تهیدست برخاسته بودند. محمد با آنکه
 سال آخر دانشکده را میگذراند چون دیگر فعالیست
 علمی برایش همسر نبود مخفی شد. مهدی با اینکه توانسته
 بود در کنکور اعزام دانشجو شاگرد اول گشته و در کنکور
 رشته شیمی دانشگاه صنعتی نیز رتبه اول را حائز گردد
 با این حال پس از آزادی از زندان در سال ۵۱ برای
 همیشه خود را وقف جنبش نمود و مانند بعضی کسانی
 که پس از رسیدن بموقعیتی طبقات محروم اجتماع را فراموش
 کرده و فقط به منافع فردی خود فکر میکنند هرگز

محرومان اجتماع را فراموش نکرده و در راه بشر
 یسائیدن انقلاب خونین خلق صادقانه خود را وقف
 جنبش نمود و تنها رفت و آمد بدانگاه را وسیله‌ای
 برای قرار گرفتن در جریان جنبش و بر روزگاران مبارزاتی
 خود قرار میداد .

یسادشمان گرامسی یساد

یسادی از شمسید مسعودی

" پار دیگر رژیم خونخوار امپریالیستی "

" ایران دستهایش را بخون دوتس "

" از غریزدان خلق آغشته ساخت "

در استانه چشمهای پنجاه سال جنایت پهلوی رژیم
 امپریالیستی ایران این ژاندارم منحلته با اعمال فساد
 شیستی ترین روشهای ضد خلقی نه تنها سعی در
 مخامور کردن هر گونه صدای آزادیخواهی در داخل
 ایران مینماید بلکه با فرستادن دهها هزار سرباز
 و بدرن ترین رسائل نظامی که در واقع به پهای
 استشار توده فقیر ایران تدارك دیده شده است ،

به سرزمین ظفار سعی میکند وظیفه حلقه بگوشی خود را بصورت يك قطب امپریالیستی انجام دهد تا بدین وسیله سیاست جدید امپریالیسم امریکا را که پس از شکست مفتضحانه اش در ویتنام در پیش گرفته انجام دهد .

شمهید محمد علی موحدی قمی در اواخر سال ۵۰ هنگامیکه ۱۶ سال بیشتر نداشت و محصل دبیرستان بود بحلت فعالیتهایی در قم دستگیر و پس از چند ماه از زندان آزاد میگردد . يك ماه پس از آزادی بار دیگر دستگیر و به شش ماه زندان محکوم میگردد ، با اینکه او در همان زمانها با سه تن دیگر از دوستانش گروهی برای فعالیتهای سیاسی تشکیل داده بودند که بعد ها به تمرینات نظامی نیز تا حدود امکانات و محدودیت های خویش میپرداختند ، ساواک هرگز متوجه این مسائل نگردید . او پس از آزادی از زندان با تجربیاتی بیشتر به فعالیتهای اهلپتر پرداخت ، چند ماهی از آزادی او نگذشته بود که ساواک برای

پاراسوم قصد دستگیری وی را نیز مایید که او مترجه گشته
 و بخفی دیگر د (اواخر ۵۱ یا اوائل ۵۲) و یکم
 برادران مبارز دیگر گروهی تشکیل داده به نعالیت
 پرداختند *

این گروه که حدود یکسال پیش لو رفته پرد و افرادش
 دستگیر گردیده بود (بعلمت ضعف های تجری و عدم
 ارتباط یا جنبش) لیکن رژیم پیشرمانه این گروه را مسئول
 حمله به پاسبان خیابان هدایت قلمداد کرده و دست
 آویزی برای اعدام دو مبارز دیگر فراهم میکند (درحالی
 لیکه دو تن دیگر از فرزندان خلق چندی قبل بهمین
 اتهام تیرباران شدند که هیچ رابطه ای بین آنها
 و این گروه نبوده است) تا بدین وسیله ماسک
 دروغین از چهره خود برداشته ماهیت واقعی خود
 را در جهان نشان دهد *

۱ - در تظاهرات شدیدی که روزهای ۱۵ و ۱۷ خرداد در مدارس قیضیه و دارالسناء و سپس خیابانهای قم رخ داد پلیس، با وحشیگری تمام و کشتن عدای تو - نست این تظاهرات را خاموش کند بر همین گفته منابع وابسته به گروههای مبارز روحانی در قم حدود چهل و پنج نفر بد شهادت رسیدند و قریب سیصد و پنجاه نفر نیز بازداشت شده اند که عدای از ایشان به سرایخانه ها اعزام گردیدند. پاره ای هم برای ادامه مبارزه و - ندادن فرصت به پلیس مخفی شده اند.

توضیح - حرکت روحانیت مبارز عدنا در بین طلاب جوان و روحانوی دیده میشود که دارای وابستگی نبودن و معمولا از طبقات محروم جامعه میباشند، این قشر مبارز که در تاریخ مبارزاتی خلق ما علیه امپریالیسم همیشه نقشی مثبت را بعهده داشته است، متأسفانه - کمتر از دید سیاسی کافی که لازمه اتخاذ خط مشی - اصولی است، برخوردار بود، است. از طرفی سازنا - نهی اصلی جنبش مسلحانه نیز در پنج سال اخیر کمتر

توجهی به تربیت سیاسی این قشر ننوده اند. عمدتاً -
 حرکات ایشان در مبارزات خود بخودی و سازمان نیا -
 فتد جلوه گر شده است، و اعتراضات روحانیت معمولاً
 همراه با تلفات زیاد و از هم پاشیدگی تشکیلات بعد
 از هر چرمانی بوده است.

در زمانی که ضرورت کار سیاسی و سازماندهی نیرو -
 های مبارز جامعه بیشتر از هر زمانی بچشم میخورد و
 حتی میتوان گفت مسئله اصلی مرحله فعلی مبارزه خلق
 را تشکیل میدهد، هرگونه تعلل در بالا بردن کیفیت
 سیاسی گروهها و قشرهای مبارز و متشکل ساختن آنها
 ضریات سنگینی را که در چند ماه اخیر ناظر آن بوده
 ایم، بدنال خواهد داشت.

لذا جادارد طلاب مبارز در جریان حرکت مترقیانه
 خود بیشتر از پیش بالا بردن کیفیت سیاسی خود
 توجه کرده تا قادر به ایفاء نقش فعالتری در مبارزه -
 ضد امپریالیستی جامعه باشند.

۲- روحانی مبارز صالحی نجف آبادی نویسنده -

کتاب شهید جاوید که به همراه بیست و نه تن روحانیون دیگر حوزه علمیه به شهرستانها و بخشهای بد آب و هوا تبعید شدند، پس از اقامت چند ماهه در ایهر به علت تماس زیاد مردم با ایشان به تویسرکان منتقل میشوند و با پیش آمدن وضع مشابهی در آنجا شهرستانی تویسرکان ایشان را با دو مأمور به بانه میفرستند. در بانه رئیس شهرستانی میگوید برای تبعیدیها جایی در نظر گرفته نشده است. در نتیجه ایشان را تحت الحفظ به تم میفرستند. رئیس سارات قم طی نامه‌ای با لحن تند میگوید رئیس شهرستانی بانه غلط کرده چنین حرفی زده و ایشان را به بانه میفرستند.

توضیح - رژیم سعی میکند پلیس را دستگاهی منظم، پیچیده و کاملاً متشکل جلوه دهد، که از مرکزیتی قری برخوردار است (نشر خبرهایی مثل پلیس به کامپیوتر مجهز شده، لایبراتورهای پلیس میتوانند از روی تارموی شخصی به هویتش پی ببرند، از روی اثر انگشت شخص یک دقیقه ای میتوان او را شناخت و...) در حالیکه

سائلی نظیر خبر فرق نشان می‌دهد که در اثر عدم وجود مرکزیت قوی چگونه شخص نسبتاً مهمی را به بانه تبعید میکنند لیکن مرکز پدوسی شهر اصلا در جریان نبردها است.
۳- شهریور ماه روحانی مبارز سید علی خانه ای از

زندان آزاد گردید، اتهام ایشان تربیت چریک بوده است.

توضیح -- رژیم بحلت دید طبقاتیش همواره افراد را
سفرل حرکات جامعه میداند (همانطور که افراد را
سازنده تاریخ قلمداد کرده و تاریخ را تنها شرح حال
پادشاهان و نوابخ میداند نه حرکات و تغییر و تحولات
اجتماعی، نظیر کتب تاریخ مدارس) و تصور میکنند اگر مثلا
افرادى خاص را نابود کند که قادر به کنترل توده مردم
است. (سر و صدائی که در مورد دستگیری شهید افرا-
خته بعنوان رهبران خرابکاران براه انداخت) در حالیکه
این سیستم طبقاتی حاکم بر جامعه بوده که این افراد و
نیز عامه را بطغیان وادار میسازد .

۴ - دختر شهید آیتا ۰۰ فقاری که مدتی در زندان

اسیر بوده در اواخر مهر ماه از زندان آزاد میشود .

از سر آیتا ۰۰ نقل قول شده است که در بازدید از جسد پدر خود مشاهده نموده پیشانی ایشان سوراخ شده و قسمتی از پای ایشاناره گردیده است در حالیکه هردو پای وی را در روشن سبوزانیده بودند .

توضیح - محمولا پسران شهادت عمدا جسد را بآن صورت در میاورند و وقتی خانواده برای تحویل جسد به آنها مراجعه میکند ، با سیاه بازی و فیلم در آوردن با نزدیکان ، بالاخره میگویند بشرطی که کسی ننهدم .
و عمدتا هدف ساواک از اینگونه برنامه ها ایجاد وحشت از شکنجه های وحشیانه است . در حالیکه در واقع شکنجه با شلاق بسیار وحشیانه تر از هر نوع شکنجه است و محور اصلی شکنجه های ساواک را تشکیل میدهد .

۵- اواخر پائیز روحانیون انقلابی طالقانی و لاهوتی به همراه چند روحانی مبارز دیگر دستگیر گردیده اند که ساواک علت بازداشت آنها را تشکیل گروه عنوان نموده است . جمله مستقیمی که در بیانیه سازمان مجاهدین در مورد لزوم تجمع مذهبیون مبارز بدور آیتا ۰۰ طالقانی

و منتظری میتواند تاثیر زیادی در حساس نمودن ساواک داشته باشد ، خصوصا وقتی که این تعریف و تمجید در مورد شخصی که اجبارا دارای زندگی علنی بوده قابل کنترل است عنوان شده و هیچ تاثیری جز حساس نمودن ساواک نخواهد داشت *

آ... در اسفند ماه اعلامیه ای پامضای حوزه علمیه قم انتشار یافت که محور آن بر دفاع از دکتر علی شریعتی قرار دارد *

بطوریکه اعلامیه خاطر نشان میسازد و خبرهای موثقی از دکتر، نقل گردیده است که ، این مقالات تحت عنوان " انسان ، اسلام و مکتبهای مغرب زمین " سلسله درسهای پرده که برای عدهای از دانشجویان مشهد چند سال قبل ایراد گردیده است * و چندی تبیل عدهای از دانشجویان دانشگاه اصفهان آنها را جمع آوری و برای انتشار آماده نمودند (بدون مدخله دکتر) که قبل از انتشار بدست ساواک میافتسد و با اضافه نمودن جمله " مارکسیسم ، ضد اسلام " و نیز

تغییرات دیگری در متن اصلی، دست‌بانتشار آنها

در کیهان میزند.

بطوریکه از متن مقالات نیز برمیآید، این گفتار

بیشتر با طرز فکر و سخنرانیهای چند سال قبل وی

هماهنگی دارند و گفته میشود که وی قبلاً نیز با

انتشار آنها مخالفت کرده بود (از جانب دانشجویان

یان) و چنین گفته که با عقاید فعلی هماهنگی

ندارد و باید تغییراتی در آنها بدهم.

البته هدف اصلی انتشار این مقالات را نباید

از نظر دور داشت که همانا ایجاد نفاق و دو

دستگی بین صفوف مبارزین میباشد، که در جوارش

دکتر نیز لجنمال گردد.

در اعلامیه این روشنی و دید که هدف را

ایجاد نفاق قلمداد میکند قابل توجه است لیکن

چه بهتر میبود پس بحث فوق به لزوم اتحاد و -

همبستگی بیشتر نیروهای مبارز گشته و توجه گردد

این طرحهای رژیم خود دلیلی بر ضرورت اتحاد

است.

نکته دیگری که بهتر است در اینجا توجه شود پوشالی بودن تبلیغات رژیم است • در حالیکه چنین تحریف مینمایند • ساختگی بودن نقل قولهایی ذال پر اظهار ندامت و پشیمانی از جانب شهید افراخته و شهید خاموشی فرزندان راستین خلق در پیدادگاههای نظامی شاه خائن است • زیرا هنگامیکه در مرداد ماه مشاهدۀ کردیم جلسات بازجوئی اسیر شدگان را با مونتاز (بازجوئی خاموشی و ترور واقعی) و هزاران کک تبلیغاتی بخورد ملت دادند • اگر در پیدادگاه از جانب این شهدا* کوچکترین ضحی نشان داده میگردید ، با مبالغه همراه با فیلم برداری های وقیحانه بنمایش در میآوردند •

۱- مکانیکی (صاحب یک تعمیرگاه کوچک) در یک

شهرستان تعریف میکرد (در حالیکه پرئیس اتحادیه خود فحش میداد) - وی بعنوان مختلف از ما پول میگرفت و هر بار به بهانه جشن هائی که هیچ نفی در آن نداریم ما را تیغ میزند. اگر برای گرفتن جواز کسب نبود چند نفر جمع میشدیم و او را چاقو میزدیم، این پولها صرف حقوق او و اجاره محل اتحادیه گردیده و بقیه اش را هم بالا میکشند. وی میگفت شکایت کرد تا یم بما جواب داده اند که قرار است تمام رؤسای اتحادیه-ها تخییر کنند و یک مهندس از مرکز برای رئیس-اتحادیه تعیین گردد (که بدیهی است خود صاحب هیچ تعمیرگاهی نبوده و تنها از طرف دولت

مسئولیت دارد، در حالیکه رئیس فعلی جزو خرده پور-ژوازی بوده و خود دارای منافع مستقیمی در این صنف تعمیرکاران میباشد)

توضیح- در پی سیاست تمرکز یافتن نیروهای رژیم که

در تحلیل رستاخیز بآن اشاره گردید، اجزای-

آنرا در تمام سازمانها و واحدهای سیاسی، اقتصادی، و پلیسی جامعه مشاهده نمود.

- ۲- دختر جوانی که برای اجاره اطاقی در محله‌ای فقیر نشین رفته بود، میگوید: همین که وارد خانه شدم صاحب خانه گفت شناسنامه داری یا خیر، گفتم بگذار اطاق را ببینم هنوز که آنرا نپسندیدم که صحبت کنیم، گفت برای اینکه یکی از فامیلهای ما که پنجاه معامله دارد گفته این روزها برای اجاره خانه - که معمولاً یک دختر یا یک دختر و یک پسر و یا یک پسر مراجعه میکنند بعد از گرفتن اطاق در آن بفساد میپردازند. اینست که باید روی مستاجرها دقت کرد.
- توضیح - رژیم برای کنترل آن قسمت از امور که کمتر قابل کنترل مستقیم میباشد و مردم هم از کنترل آن نفی ندارند سعی میکند بنوعی با استفاده از انگیزه‌های مردم در هر مسئله آنها را به کنترل تلامذند گرداند.

مثلاً در سال ۵۳ برای کنترل شمال کشور مسئله

۱۰۰
بچه دزدی رادر سطح وسیعی در آنجا پخش گردانید
و روزنامه ها هر چند شب یکبار خبر از دزدیدن بچه-
ای در شمال میدادند که معمولا دزدش هم پیدا نمی-
شد • ونیز بکمک عواملش شایعات عجیب و غریبی از -
این مسئله در سطح روستا های شمال پراکند • بطور-
یکه وقتی غریبه ای به هر نقطه در شمال که وارد میشد
اول بچشم بچه دزد بوی نگاه میکردند تا خلاف آن -
ثابت گردد و این خود باعث شده بود که ورود و خروج
به مناطق روستائی شمال در حد بسیار خوبی بدون
درگیری مستقیم رژیم از طرف مردم کنترل شود و نمود -
های مشکوک بژاندرمری محل گزارش داده شود (شمال
بعلت عدم تمرکز جمعیت و پخش آن در واحدهای کو-
چک قابل کنترل مستقیم پلیسی نمیشد) و با خبر فوق
که نشان میدهد چگونه رژیم برای کنترل وضع منزل ها ی
اجاره ای مسئله فساد در میستاجران و یا تخلیه نکردن
خانه از جانب آنها را مثلا بعنوان راهنمائی مالکان
و یا کمک به میستاجران خیلی بیشتر از واقعیتش به

دهانها میانداندازد تا بدینوسیله هم سخت گیری مالگان را در دادن خانه به مستاجران بیشتر کند و هم آنها را به تحقیق درباره آنها وادارد *

۳- بدنبال تظاهرات ۱۵ خرداد در قم دانشجویان تبریز نیز حمایت خود را از این جریان اعلام میدارند و دانشگاه تعطیل میگردد * در این تظاهرات مهمتر از همه برخورد مردم با جریان است که میگویند در خانه ها را برای مخفی کردن تظاهرکنندگان باز گذاشته بودند بعد از این جریان مدت ها در خیابانهای تبریز گشتی میگشته یعنی از هر کلانتری دو ماشین نفر بر با چند آژان میگشتند *

۴- نوجوانان زیادی در حادثه سالروز ۱۵ خرداد از رودخانه پشت مدرسه فیضیه سنگهای زیادی به طلاب پرتاب میکردند * عده ای معتقدند این سنگها را بچه ها برای طلبه ها پرتاب میکردند تا از آن برای حمله به مامورین ساواک استفاده کنند اما عده زیادی از شاهدین عینی معتقدند آنها سنگها را بتصد طلاب

پرتاب میکردند با این عنوان که ^۲هشتمین فلان ۰۰۰
 ها بودند که سینمای قم را آتش زدند • و این نشانگر
 طرز تفکر صده ای از مردم در مورد سینمای قم است
 مردمی که هر پنجشنبه و جمعه پول خرج میکردند می
 رفتند تهران سینما و حالا خوشحال از اینکه در قم
 سینما دارند و دعا بجان صاحب سینما و بدبین نسبت
 به آقای شریحتمداری و گلپایگانی که بجای يك فكر
 اسامی در مورد تفریح بچه ها بصاحب سینما پیشنهاد
 صد هزار تومان برای خرید زمین سینما برای ساختن
 مسجد کرده بودند و با این شایعات قبل از ساختن
 سینما بوده که مردم انفجار سینما را از جانب حوزه
 میدیدند و باقی قضایا •

" چسند گزارشهاز جسامنه گردی "

بدنبال خانه سازی بی اجازه مردم در خارج از محدوده
 بخصوم در ناحیه یافت آباد تهران (انتهای خیابان
 امین الدلك در انتهای خیابان قزوین به یافت آباد
 میرسد و يك خیابان فرعی یانت آباد را به چاده ساره

شتمن میکند. رژیم وحشیانه بمقابله با این عمل پرداخته و بدلیل نشتن شدن صفر علی لک کارگر ۲۲ ساله بدست ژاندارمها که گزارش آن در روزنامه کیهان مورخ تیرماه هم نرشته شده بود، خبرهایی از کشته شدن یک خانواده بطبر دسته جمعی را اهالی ذکر کرده اند. خانواده مزبور که بی اجازه یک چهار دیواری را بسالا برده و داخل آن نشسته بودند و به اخطار پی در پی ژاندارمها برای تخلیه خانه توجه ننموده بودند پس از مقاومت زیادی که برای حفظ یک چهار دیواری محقر که بعد از سالها بدست آورده بودند ژاندارمها خانه را بر روی آن خانواده خراب میکنند که باعث مرگ دسته جمعی تمام اعضای آن خانواده گردیده بود.

این کشتار وحشیانه باعث خشم و کینه شدید مردم از رژیم جنایتکار و بوجرد آمدن چند فقره انتقام گیری در این محله شده است که یکی از آنها هجوم مردم به ژاندارمری و آتش زدن جیب ژاندارمری و کشتن یک ژاندارم در اوائل پائیز بود. و دیگری کشته شدن

يك پليس در هفته های بعد از آن در منطقه بوده است
 كه از كم و كيف آن اطلاع بیشتری در دست نیست.

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

شمیران نو محله ای است كه در انتهای نظام آباد
 شمالی بعد از ۴۵ متری نارمك قرار دارد (البته بعد
 از تاسیسات شركت واحد كه خیابان تا آنجا اسفالت
 است) يك پیاپان وسیع خاکی است كه خانه های
 زیادی در آن ساخته شده ابتدای محله با پاسگاه
 پليس شروع میشود اینطور كه میگویند در حدود هزار
 خانوار در این محل زندگی میکنند كه همگی كارگسر
 هستند . خانه های اول محله بصورت خرید و فروش
 زمین با خود خانه است و نسبتا خیلی گران شده
 و كچه های اول آن در حدود متری هزار تومان
 خرید و فروش میشود یعنی خانه ای كه ۲۵ متر
 مساحت دارد بمبلغ ۳۵ هزار تومان خرید و فروش
 میگردد . در يك زمین ۷۰ متری دو خانواده زندگی
 میکنند كه بعلت محدود بودن زمین هر دو از يك

مستراح استفاده میکنند • آب این محله از دو قشاری
 که یکی نزدیک شرکت واحد و دیگری پاندازه همزا ر
 نتر بالاتر است تامین میشود • سمت چپ این بیابان
 شمیران نو و سمت راست آن محله دیگری است کسه
 زینمهای آن متعلق به اوقاف است و گاه گاهی مامورین
 به محله اوقاف سرکشی کرده اقدام به ویرانی خانه های
 که زن و مرد برای خودشان ساخته اند میکنند • مامورین
 پاسگاه برای هر ماشین آجر و وسائل ساختمانی که از
 آنجا عبور کند چهارصد تومان رشوه میگیرند • در محله
 اوقاف مردم شبانه بساختمان کردن اقدام میکنند که
 از نظر ظاهری و کیفیت به زورآباد کرج شبانمت دارد •
 مردم جرات اینکه شبانه خانه خود را خالی نگه دارند
 ندارند چون همیشه در معرض یورش مامورین دولت
 هستند • از نظر اجاره چون خارج از محدوده است
 خیلی مناسب است ولی اجاره اطاق همیشه بصورت رهنی
 میباشد چون همه به پول نقد احتیاج دارند • اکثر
 کسانی که در هیچ جای تهران نمیتوانند اطاق پیدا

کنند چون هم گران است و هم با بچه اجاره نمیدهند
 به خانه های اوقافی پناه میبرند • در درگیریهای
 قبل اینطور که خود مردم میگفتند يك پاسبان کشته
 شده و شهر دار گفته من دیگر جرات نمیکنم پیسسه
 شمیران نو بروم • درگیری دیگری منجر به کشته شدن
 سه تن از اهالی و دستگیری ۱۶ نفر گردیده بسود
 مردم با وسایل ابتدائی مقاومت جالبی از خود نشان
 دادند و همه با سنگ و چوب در مقابل اسلحه های
 سنگین رژیم از خود دفاع میکردند وقتی از مردم می-
 پرسیدند که اینجا را چرا خراب میکنند میگویند "برای
 اینکه گارد جلوش است و نباید جلوی گارد خانه
 باشد" •

البته تاسیسات لویزان و گارد جاویدان در بالای
 این منطقه است در ضمن پخانه های بالای سلطنت
 آباد که متعلق به آمریکائیان است و محافظت شدیدی
 در آنجا برقرار است مربوط میگردد • یکی از اهالی
 میگفت "آخه از چون ما چی میخواهی اگر میخواهی

همه ما را بکشی اینکه کاری نداره با تو، و تانک میتونی
اینکارو بکنی و از شر مردم راحت شوی *

نکته مهمی که در اینجا دیده میشود اینست که اینها

بدون اینکه حتی کوچکترین اطلاعی از جنبش داشته
باشند بعزت تضاد خاص خود یعنی خراب شدن خانه -
هایشان (که خود ناشی از تضاد عام حاکم بر جامعه
یعنی تضاد طبقاتی است) به حرکات خود بخودی علیه
رژیم ، با یک حالت جمعی، رسیده اند زیرا میبینند که
همگی در یک موضع مشترکی با یکدیگر قرار گرفته اند
و تنها بکمک و پشتیبانی و همکاری یکدیگر قادر به دفاع
از منافعشان میباشند * که این خود نکته بسیار مهم
و قابل تکیه ای در هر جریان است که اساس حرکت را
انگیزه های مشترک و جمعی تشکیل دهد *

حتی این جدائی از جنبش در حدی وجود دارد که
ممكن است در برخورد با یک چریک او را تحویل رژیم
نیز بدهند و این جای بسی تاسف است که در حالیکه
در جامعه حرکات خاصی با جهت های مسلحانه شروع

گردیده است اما علا هیچ پیوندی بین این جریانات

و جنبش مسلحانه وجود ندارد •

جا دارد که قشر روشنفکر که از امکانات علمی مناسبی برخوردار است چنین جریاناتی را موضعی برای پیوند دادن جنبش با توده مردم قرار داده با مراجعه بمحل ، تهیه گزارشها و انتشار آنها و نیز پیرند خوردن خاص با اینگونه جریانات دردی بشناساندن حرکات خود بخودی جامعه به قشر روشنفکر کمک کرده و از طرف دیگر با دست گذاشتن روی انگیزه های اساسی آنها به تربیت سیاسی آنها پرداخته ، جنبش را به طبقات محروم اجتماع بشناسانند •

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

این گزارشی است عینی که در مهرماه در وحیدیه اتفاق افتاده است از نظر موقعیت وحیدیه محله ای است در شرق میدان شیزیه که فوق العاده پر جمعیت بوده و مردم آن از نظر مالی متوسط و پائین هستند در این گزارش درگیری آقا پرات نفتی محله و مستاجر

و از طرف دیگر "آزاد" صاحب ملک و سرمایه دار •
 آقا برات در زمینی بمساحت سیصد متر در نبش کوچه
 که متعلق به آزاد است مدت ۱۸ سال زندگی کرده
 است و در این زمین خود و خانواده اش با دست خود
 يك اطاقك كه فقط باندازه زندگی خانواده هفت نفری
 آنهاست ساخته است که مسلم از آب و برق خبری
 نیست • آقا برات هجده سال پیش به این محل آمده
 و با اجازه آزاد به این خرابه میآید و زنش هم در تمام
 این مدت خدمتگزار خانواده آزاد بوده که در اوائل
 در ازاء اینکه آزاد این زمین را در اختیار آنها گذاشته
 از حقوق خبری نبوده البته در آن موقع اکثر محله خرابه
 و بیابان بوده است •

بعد از مدتها زن آقا برات ماهیانه سی تومان از آزاد
 میگرفته است فرزند بزرگ آقا برات پسر ۱۶ ساله اوست
 که معلوم است همه بچه ها در این خرابه بدنیا آمده
 اند با این وصف که در ده زن و شوهر زود ازدواج میکنند
 مسلم نباید سن زیادی اکنون داشته باشند ولی آقا برات

پیر مردی شصت هفتاد ساله بنظر میرسد و زنتش هم
چهل تا چهل و پنجساله •

اوج خوش خدمتی و زحمت کسی زن آقا پرات برای
خانواده آزاد دو سال پیش است که آزاد فلج میشود
و قا در به حرکت نبوده و مدت یکسال این زن پرستار
بی جیره و مواجب وی میگردد بطوریکه مجبور بوده
کفافتهای آزاد را پاک کند و هر روز شلوارهای کثیف
او را بشوید •

پسر بزرگ وی که ۱۶ ساله است، پعلت فقر مادی کسار
میکند و خصوصیات جامعه کثیف و فرهنگ حاکم بر جامعه
با نقطه ضعف و کمبود هائی که از شرایط ناشی میشود
در او پیدا شده با چند درست ناسد بر خورد دارد
و همه پولهایش را خرج میکند • دختر سیزده ساله
آقا پرات که در پر خورد با دوستانش خانه آزاد را
خانه خود شمرنی میکند تا بر کمبود های واقعی
طبقاتیش بدینوسیله سرپوش بگذارد • کوچکترین آنها
نامش آرزوست که دو ساله نیمه است و شیره آرزوهای بر

بُاد رفته آنهاست و تنها غذای او پستان بی شیر مادر است .

آزاد زمین داری بزرگ است و دارای مستغلات متعدد که در محله به شروتندی معروف میباشد بطوریکه مردم درباره پسرش یک سرکوچه مطب دارد میگویند کارخانه اسکناس چاپ کتی دارد . بعد از فوت آزاد شروت او تقسیم شده و زمین آتا برات به دخترش که در آهریکاست میرسد . درگرفتن این زمین از آتا برات فردی بنام حجتی که شوهر خاله دکتر آزاد است و گویا پسرش هم ساواکی است دخالت مستقیم دارد .

مهدی پسر دیوانه آزاد است که در این جریان چند بار برای آقا برات چاقو کشیده و از وی خواسته تا از زمین آنها بلند شود چون میخواهند آنها بفروشند او هم از آنها درخواست ۵۰ متر زمین یا ۱۰ هزار تومان پول کرده است تا با آن اطاقی رهن کرده با پنج بچه قبولش کنند او میگفت زمینهای شمیران نورا هم بخوابم اجاره کنم ده هزار تومان پول میخواهد پس

این مملکت کجایش جای ما است ، پس اون کدوم قانونی
 است که از مستاجر حمایت میکند مگر ما فختیر بیچاره ها
 قانون نداریم ، قانون مال پولدارهاست ، هرکی پول
 داره و زور داره همه چیز داره ”

در اولین درگیری در چهارم بعد از ظهر آقا برات
 پانصد متری دو دندان را از دست میدهد و در
 این جریان همه به پستی پسر آزاد اقرار میکنند بالاخره
 بعد از یکسری دعوای چون موفق به راضی کردن آقا
 برات نمیشوند به قانون که مدافع طبقه حاکمه است
 رجوع میکنند تا بدینوسیله یک نرد شجاع را خرد کنند
 حجتی میگوید ” باید برات بیاید و دست و پایم را ببوسد
 باید برای ما بخاک پیفتد تا ما راضی شریم ما مختصا
 داغونش میکنیم حتی همین حالا میتونم بکشمش هرکی
 هم دلش حال او میسوزد بپرند پول بگذارند رو هم
 برایش خانه بگیرند ” یک بار هم به پسر برات تهمت میزنند
 که آجر بلند کرده و پلیس اونو به کلانتری میبره پسر که
 تا حالا با خانواده خود صمیمیت نداشته کینه

طبقاتی شراوج میگیرد و فریاد میزند که من این کار را نکردم
 ام و اگر نام کرده ام حقم بوده چطور میتونم ببینم پس در
 پیرم را خونی کنند ، شبانه بالای سر مادرم بیایند
 و من هیچی نگویم تا اینکه روز موعود فرا میرسد و ما هم
 مورین مدافع نظام حاکم برات را از خانه اش پیرون کرده
 اساسش را در کوچه میریزند و اینجاست که اوج خصوصیت
 طبقاتی آقا برات ظهور میکند خوب، بلندی را از زمین
 برداشته به جتی ساواکی حمله میکند البته با مورین
 مسلح به بیسیم و اسلحه و باتون جلوی او را میگیرند •
 آقا برات یک نفتی است در سرزمینی که نفت ثروت اوست
 و متعلق به اوست او به این وضع اسفناک زندگی میکند
 بعد از چند روز که سر کوچه بصبح میگذرانند از طرف
 شهرداری میآیند و به این عنوان که مردم برضد تو
 شکایت کرده اند و ما نوح عبور و مرور هستی باید از
 اینجا بلند شوی • اینجاست که رژیم بحلت ماهیت
 خود تضادش را با خلق نشان میدهد و دامن میزند
 البته آنچه که جالبتر است وضع کوچه است و ارتباط آقا

براستجا همسایه هاست او که بعلت موضع قهر آلودش در مسئله دارای خصوصیات در بزرگی و گدائی نشده در این مدت از هیچ يك از خانه ها غذا نمیگیرد بخیر از خانه رویرویشان که همطبقه آنهاست و او هم کارگر بوده و مستاجر آزاد و همین روزهاست که آزاد پسراغ آنها هم پیآید لیکن بقیه کارمند، اداره ای، یا مهندس و کاسب هستند. او فقط به بچه هایش بخاطر سرمای سخت شب اجازه داده است در خانه دیگران بخوابند آقا پرات مبارزی است کهزندگیش را هر روز و ثانیه در مبارزه گذرانده است او درك کرده کهباید مبارزه کند و اگر مبارزه نکند باید از بین برود برای همین است که برای زنده ماندن مبارزه میکند. زن آقا پرات مبارزتر از خود اوست و اوست که کتافتهای واپستگان به رژیم را رو میکند و میگوید "يك عمر باید در خانه شان جان بکنم و کتافتهای بابای شان را بشورم و این هم آخرش. اصلا کسی نیست به اینها بگیرد این پول ها را از کجا آورده اید" وی بطرف پاسپانها که خرد

از طبقات محروم اجتماع هستند می‌رود و میگوید پس
 تانون حمایت از مستاجر کو؟ مگر شاه نگفته مستاجر
 را نسیترانی بلند کنی (رژیم عملا با تضاد بین گفتار
 و عمل ماهیت کثیف خود را نشان می‌دهد) آنها
 می‌گیرند بخدا ما هم بیتقه‌بیریم ما هم اگر اینکار را نکنیم
 بیچاره‌مان می‌کنند و صداقت و بدبختی از گفتارشان
 پیداست • با دخالت دولت و اینکه چرا اثاثیه‌ات را
 سرک‌وچه گذاشته ای آقا برات مجبور می‌شود دنبال
 اطاق بروی و اینجا است که باز هم ، همطبقه اوست
 که به او کمک میکند یکی از دوستانش که در قسمت
 اوتافی شمیران نوخانه دارد زیرزمین خانه اش را بدون
 گرفتن پول برای رهن به آقا برات اجاره می‌دهد •
 آقا برات میگوید " اونها مثل اینها نامسلمون نیستند
 اقلا يك مسلمان همدا همیشه که بما جا بده "•